

CATO
INSTITUTE



The
National

The
Washington
Post

FDD

القدس
العربی

THE
NATIONAL
INTEREST

Newsweek

ماهنامه رصد

مرور و جمع‌بندی آراء و نظرات اندیشکده‌های منتخب غربی

خلاصه مطالب منتشر شده در اردیبهشت ۱۴۰۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خلاصه رصد
گزارش ماهانه اندیشه‌های منتخب غربی
اردیبهشت ماه ۱۴۰۱



فهرست

- ایران
- آمریکا
- رژیم صهیونیستی
- غرب آسیا
- اروپا
- سایر حوزه‌ها

مقدمه

گزارش ماهانه اندیشکده‌ها در تلاش است تا خلاصه‌ای کاربردی از رویکرد رسانه‌ها و اندیشکده‌های برتر آمریکا و جهان در مورد موضوعات مورد علاقه مسئولان کشور ارائه دهد. آنچه در ماهنامه ارائه شده است، نه یک تحلیل یا گزارش کامل، بلکه تنها خلاصه‌ای از مهمترین مطالب منتشر شده در رسانه‌های خارجی با موضوعات سیاست داخلی و خارجی ایران، مسائل غرب آسیا، دیپلماسی آمریکا و اسرائیل در خصوص منطقه، رویدادهای مهم اروپا، آسیا و سایر حوزه‌ها(محور مقاومت، شمال آفریقا و ...) است. بدیهی است نشریه حاضر تمام مطالب را پوشش نمی‌دهد و تنها مهمترین تحلیل‌ها و گزارشات ارائه شده است. در صورتی که مطلب خاصی مطلوب قرار گرفت، اصل و ترجمه مطلب مورد نظر در روزنامه «رصد سورین» در تاریخ و شماره ذکر شده در دسترس خواهد بود.

رئیس در انتظار تصدی رهبری ایران

شیوه عملکرد [آیت‌الله] خامنه‌ای برای حل و فصل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور، همواره نشانه‌گیری انگشت اتهام به سمت روسای جمهور خود از هر طیف سیاسی بوده است. رهبر ایران با مقصر جلوه دادن مقامات دیگر، سعی در فرار از پاسخگویی و مسئولیت دارد. [آیت‌الله] خامنه‌ای در مورد ابراهیم رئیسی رویکرد متفاوتی در پیش گرفته است. رئیسی در سال ۲۰۱۷ نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد و سیاست حاکم امیدوار بود که او پیروز شود. با این حال، تشکیلات اصولگرا چندین اشتباه مرتکب شد. برای بسیاری از مردم طبقه متوسط در ایران، انتخابات ریاست جمهوری انتخابی بین بد و بدتر بود. در نتیجه برای جلوگیری از پیروزی رئیسی تندرو، به روحانی به اصطلاح میانه‌رو رأی دادند. دوره بعد، دولت از درس‌های گذشته خود آموخت و سبب شد شورای نگهبان محدودیت‌های زیادی را ایجاد کند. شورای نگهبان حتی برخی از اعضای ارشد نظام را رد صلاحیت کرد تا موانعی را که ممکن بود مانع از رئیس جمهور شدن رئیسی شود، برطرف کند. رئیسی با آن چه جمهوری اسلامی در مقام رهبری بعدی به دنبال آن است، همخوانی دارد. نخست به این دلیل که او از توسل به زور و سرکوب هر اپوزیسیون و کسانی که در مقابل حکومت می‌ایستند، دریغ نمی‌کند. به عنوان مثال، زمانی که معاون دادستان تهران بود، در یکی از بزرگترین اعدام‌های دسته جمعی جهان دست داشت. دلیل دوم اینکه، سیاست‌های رئیسی با سیاست‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شاخه نخبه آن، نیروی قدس، همسو است. او احتمالاً به سپاه اجازه می‌دهد تا قدرت بیشتری در کشور و منطقه داشته باشد.

<https://cutt.ly/zGdVLc7>



کانادا باید سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار دهد

آمریکا همچنان در آستانه اعطای امتیازی خطرناک به ایران است و به نظر می‌رسد کانادا آماده است تا سیاستی را که منعکس‌کننده آن باشد، دو چندان کند.

واشنگتن ممکن است به زودی نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را که مسئول پیشبرد ایدئولوژی اسلام‌گرایی افراطی تهران است، از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی حذف کند. این امر که بخشی از تلاش آمریکا برای احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ است، به سرکوب داخلی و تجاوزات منطقه‌ای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای سال‌های آینده دامن می‌زند.

اما اتاوا هنوز سپاه را تحریم نکرده است. در سال ۲۰۱۲، کانادا نیروی قدس را تحریم کرد. نیروی قدس، بازوی عملیات خارجی سپاه است که از نیروهای نیابتی ایران در سوریه، لبنان، عراق، یمن و سایر نقاط منطقه پشتیبانی نظامی و اقتصادی می‌کند.

حتی پس از آنکه نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک هواپیمای مسافربری اوکراینی را در اوایل سال ۲۰۲۰ سرنگون کرد و همه ۱۷۶ سرنشین هواپیما از جمله ده‌ها کانادایی را کشت، ترودو نتوانست عواقب ناخوشایندی را بر تهران تحمیل کند.

موضع اتاوا ممکن است منعکس‌کننده انشعاب تصور شده در سیاست‌های خارجی و داخلی سپاه باشد. بر اساس این طرز تفکر، نیروی قدس یک نهاد متمایز از فرماندهی عملیاتی گسترده سپاه پاسداران را تشکیل می‌دهد و از این رو اتاوا را موظف می‌کند که آن‌ها را به‌عنوان بازیگران سیاسی مستقل در نظر بگیرد.

در واقع، سپاه پاسداران در کل تحت کنترل [آیت‌الله] خامنه‌ای عمل می‌کند. از نظر او، سپاه یک هدف اساسی دارد: «ایفای مأموریت عقیدتی جهاد در راه خدا. یعنی گسترش حاکمیت قانون خدا در سراسر جهان.» به نظر می‌رسد اتاوا و واشنگتن قادر به درک این واقعیت اساسی نیستند و امیدوارند بتوانند با دولت استدلال یا با لفاظی‌های سخت آن را مرعوب کنند. اما جمهوری اسلامی از دلیل وجودی خود دست نخواهد کشید.

<https://cutt.ly/cGYpt0f>



موسویان: تبعیدی حکومت یا دست نشانده تهران در آمریکا؟

سید حسین موسویان فردی با تابعیت ایرانی و تحصیلات غربی است و از سال ۲۰۰۹ در آمریکا زندگی می کند و به عنوان متخصص در زمینه امنیت غرب آسیا و سیاست هسته ای در دانشگاه پرینستون فعال است.

با این حال، چنین چیزی یک داستان خیالی برای کسانی است که مشتاق پذیرفتن آن هستند. نقش واقعی او در آمریکا، خدمت به منافع تهران است. حضور موسویان در پرینستون، به موضوع بحث های قابل توجهی در ماه های اخیر تبدیل شده است.

ماهیت جدایی وی از ایران نیز مورد مناقشه است. موسویان مدعی است که سپاه پاسداران او را به اتهام واهی «جاسوسی» متهم کرده بود، زیرا مواضع معتدلی داشت. اما کسری اعرابی، کارشناس در زمینه افراط گرایی شیعی، خاطر نشان می کند: «موسویان به اتهام «به خطر انداختن امنیت ملی» در ایران به دو سال زندان محکوم شده بود، اما جالب توجه است که قبل از زندانی شدن، به او اجازه سفر به آمریکا داده شد.»

شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر اینکه موسویان همیشه وفادار به حکومت بوده است. محمد جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین ایران، در سال ۲۰۱۶ گفت که موسویان «به سختی برای ایران تلاش کرده و به این کارش ادامه می دهد» و «به نظام جمهوری اسلامی اعتقاد دارد و روابطش را کاملا حفظ کرده است.»

موسویان در جریان مذاکرات برای توافق ۲۰۱۵، مصاحبه ای انجام داد و مدعی شد که ایران «یکی از پایتخت ترین کشورهای منطقه است»، اما سرکوب جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ توسط حکومت را که منجر به کشته شدن دست کم ۱۰۰ نفر شد، نادیده گرفت.

وقتی که کنگره نسبت به توافق ۲۰۱۵ ایران ابراز نگرانی کرد، موسویان در واشنگتن پست فریاد برآورد و گفت که کنگره «نقش مخربی را بازی می کند» و تهدید کرد که هرگونه تلاش برای خنثی کردن این توافق، منجر به افراط گرایی در ایران می شود. هم چنین، موسویان یکی از ستایش کنندگان سردار سلیمانی است. موسویان در مراسم تشییع جنازه سردار سلیمانی شرکت کرد و علنا آمریکا را بابت سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی پی اس ۷۵۲ ملامت کرد که ۱۷۶ نفر در جریان آن کشته شدند.

نتیجه روشن است: موسویان یک فرد «دانشگاهی» به معنای متداول نیست، بلکه جیره خوار رسمی و مدافع نظام است که در آمریکا دروغ پراکنی می کند.

<https://cutt.ly/7G2mg5K>



معامله اسد با ایران

بشار اسد بیش از هر زمان دیگری به ایران نیاز دارد، زیرا روسیه تمرکز خود را به اوکراین تغییر می دهد، اما نفوذ بیش از حد ایران به نظام او در سوریه آسیب می رساند.

[آیت الله] خامنه ای روز یکشنبه با بشار اسد، رئیس جمهور سوریه و هیئت همراه در تهران دیدار کرد. رسانه های ایرانی با انتشار تصاویری از این دیدار نشان دادند که آن را مهم می دانند.

اسد از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، اغلب سفری نداشته است. او در سال ۲۰۱۵ پس از موافقت روسیه برای مداخله و کمک به او، از مسکو بازدید کرد. در سال ۲۰۱۷، او دوباره با ولادیمیر پوتین ملاقات کرد. اسد در سال ۲۰۱۹ با رهبر ایران دیدار کرد که یکی از معدود دیدارهای آن ها از سال ۲۰۱۱ بود. سفر ایران مهم بود. در حالی که اسد اخیراً از هیئت های ایرانی از جمله وزیر خارجه ایران پذیرایی کرده است، اما به ندرت جایی می رود. او می داند که علیرغم شکست شورشیان سوری، جایگاه او در قدرت امن نیست.

اسد در داخل کشور مشکلاتی دارد، انتخابات آتی در لبنان برگزار می شود، ترکیه شمال سوریه را اشغال کرده است، نیروهای دموکراتیک سوریه تحت حمایت آمریکا شرق سوریه را اداره می کنند و درگیری های مکرری در جنوب سوریه با شورشیان سابق وجود دارد.

علاوه بر این، اردن می گوید شبهه نظامیان تحت حمایت نظام سوریه مقادیر زیادی مواد مخدر را از اردن به خلیج فارس قاچاق می کنند. اسد همچنین باید با ادامه حملات هوایی اسرائیل علیه استقرار ایران در کشورش مقابله کند. اسد اقداماتی را انجام داده است. او با مصری ها و اردنی ها صحبت می کرد و حتی در یک سفر بزرگ از امارات دیدن کرد. نظام سوریه مایل است روابط خود با اتحادیه عرب را عادی کند.

بهترین دوست سوریه که روسیه است، اکنون نیز تحریم شده و درگیر یک جنگ بزرگ است. اگر روسیه حواسش پرت شود، نظام سوریه بیش از هر زمان دیگری به ایران نیاز دارد. اما نمی خواهد توسط ایران بلعیده شود. روسیه را برای موازنه می خواهد. سوریه نسبت به دستور کار واقعی ایران محتاط است.

<https://cutt.ly/UHhdTYb>



ایران اقدامات روسیه را می ستاید

حاکمان ایران مشتاقانه به دنبال تخریب نظم جهانی لیبرال هستند و از این رو از تجاوز روسیه به اوکراین حمایت می کنند. برای ایران، تهاجم به اوکراین ارتباط تنگاتنگی با ماهیت نظم جهانی کنونی دارد. ایران نیز مانند روسیه نارضایتی خود را از نحوه عملکرد نظام بین الملل از پایان جنگ سرد ابراز کرده است. به طور گسترده تر، ایران و روسیه، جهان را از دریچه های بسیار مشابهی می بینند. هر دو مشتاقانه پایان جهان چندقطبی و پایان برتری ژئوپلیتیکی غرب را پیش بینی می کنند. جمهوری اسلامی نیز مانند روسیه، خود را تمدنی مجزا می داند که نه تنها باید توسط بازیگران خارجی به رسمیت شناخته شود، بلکه باید فضای ژئوپلیتیکی مناسبی برای نفوذ در اختیار داشته باشد.

روسیه و ایران هر دو در مورد حوزه نفوذ خود کاملاً شفاف هستند. برای روسیه، این سرزمین هایی هستند که زمانی امپراتوری شوروی را تشکیل می دادند. برای ایران، این کشورهایی است که از خلیج فارس به مدیترانه می رسد مانند عراق، سوریه، لبنان به علاوه یمن. این به معنای جلوگیری از اعمال نفوذ اقتصادی و نظامی بیش از حد قدرت های غیرمنطقه ای است.

این تا حد زیادی توضیح می دهد که چرا ایران حمله روسیه به اوکراین را فرصتی می بیند که در صورت موفقیت می تواند پایان نظم جهانی لیبرال را تسریع بخشد.

رویکرد ایران در قبال اوکراین نیز تا حدی تحت تأثیر ناهنجاری های روابط دوجانبه قرار گرفته است که عمدتاً با سرنوشتی تصادفی یک هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط موشک های زمین به هوای ایران در ژانویه سال ۲۰۲۰ و کشته شدن ۱۷۶ نفر آغاز شد.

با این حال، جنگ طولانی سیگنال بدی را ارسال می کند. جنگ ناموفق همچنین به ایران نشان می دهد که غرب هنوز از قدرت بسیار مهمی برخوردار است و علی رغم اختلافات آشکار، توانایی اتحاد سریع برای دفاع از نظم مبتنی بر قوانین موجود را دارد. ایران مراقب بوده که قدرت روسیه را دست بالا نگیرد. اکنون روشن نیست که کرملین به هدف بلندمدت خود یعنی «حفاظت» از مرزهای غربی خود دست یافته باشد.

احتمالاً ایران تا حد زیادی از حمایت از جاه طلبی های جدایی طلبانه روسیه در شرق اوکراین خودداری خواهد کرد. همچنین در صورت امکان از حمایت روسیه در مجامع بین المللی خودداری خواهد کرد.

<https://cutt.ly/SHk47A4>



اعتقاد تندروها به پیروزی در رقابت هسته‌ای

اتریکه مورا، نماینده اتحادیه اروپا که مسئولیت احیای توافق هسته‌ای ایران را بر عهده دارد، روز چهارشنبه در تهران بود تا برای توافق با حکومت روحانیون تلاش کند. مذاکرات طی ۱۶ ماه گذشته جریان داشته که بسیاری از آن‌ها گفت‌وگوهای هم‌چوار هم و در اتاق‌هایی جداگانه بوده و گزارش شده که واشنگتن امتیازات فنی متعددی به تهران داده و تحریم‌های گسترده‌ای را لغو خواهد کرد. ظاهراً هر دو طرف توانسته‌اند در مورد اقدام دقیقه آخری ولادیمیر پوتین موفق شوند تا بتوانند از برداشته شدن تحریم‌ها بهره‌برداری کنند. اما آن‌ها نتوانسته‌اند مسئله قرار داشتن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی واشنگتن را حل کنند. دولت بایدن در مورد انجام توافق با رهبر ایران ناموفق بوده، زیرا پیشنهاد داده بود در صورتی نام سپاه را از این فهرست برمی‌دارد که او علناً وعده دهد این سازمان در آینده اقدامات تروریستی علیه آمریکا ترتیب نخواهد داد. اما تهران احساس پیروزی می‌کند. جمهوری اسلامی توانسته از تحریم‌های جدی، اعتراضات گسترده و خشونت‌آمیز ضد حکومت، قتل‌های هدفمند مقامات و دانشمندان، خرابکاری‌های هسته‌ای، جنگ پرهزینه در سوریه، ناآرامی‌های ضد ایرانی در عراق و یک بیماری همه‌گیر با سوءمدیریت فاحش در نظام بهداشتی کشور جان سالم به در برد. جنگ اوکراین به نحو تناقض‌آمیزی بدگمانی‌های جمهوری اسلامی را تقویت کرده است. دیپلمات‌های ایران از روسیه حمایت کرده و خواستار آتش‌بس شده‌اند. با این حال، صدای تندروهای ایران بلند شده و معتقدند که این جنگ نشانه دیگری از هزینه‌های اعتماد به آمریکا است.

گام اجتناب‌ناپذیر بایدن از نظر رهبر ایران روشن است: به رسمت شناختن سپاه انقلابی به‌عنوان یک ارتش ملی مشروع در حالی که در ویران کردن سوریه، استعمار لبنان و ضربه زدن به آمریکا در عراق نقش داشته است. اگر بایدن حاضر به انجام این کار نشود، کنترل تسلیحات می‌میرد.

<https://cutt.ly/AHx8OWq>



بایدن نباید تاریخ سیاسی ایران را ماست مالی کند

با توجه به ایدئولوژی غیرقابل تغییر و آمریکاستیزانه جمهوری اسلامی و رهبران آن، به دولت جو بایدن توصیه می‌کنم که اشتباهات باراک اوباما در مشروعیت بخشیدن به نظام ایران را تکرار نکند و اجازه بدهد انقلاب اسلامی زیر بار بی‌کفایتی خود فرو بپاشد.

ایرانیان قادر به برقراری دموکراسی هستند. آن‌ها تقریباً در دهه اول قرن بیستم به آن دست یافتند. زمان آن فرا رسیده است که کاخ سفید از مانع‌تراشی بر سر راه ایرانیان دست بردارد. با اشاره به وضعیت ایران در دوران پهلوی «نوجوانان و خانواده‌ها به سواحل دریای خزر می‌رفتند و فیلم‌های پر فروش هالیوودی و ایرانی در سینماهای تهران روی پرده‌ها بود.»

هسته اصلی مخالفت [آیت‌الله] خمینی علیه نظام شاهنشاهی کمتر مربوط به آزادی بود بلکه برعکس؛ بیشتر مخالفت با برنامه‌های اجتماعی و لیبرال شاه بود. او با دو تلاش عمده شاه مخالف بود: برابری همه ایرانیان در برابر قانون و پیشبرد برابری حقوقی زنان. اینکه آیت‌الله‌ها به دنبال تسخیر سیستم قضایی بودند، برایشان نه یک مسئله دینی بلکه یک مسئله مالی نیز بود.

افتادن ایران به دست یک حکومت دینی غرب را شوکه کرد. در آن زمان، بسیاری فهمیدند که تره‌های آن‌ها چقدر غلط بود، اما با گذشت زمان، نسلی که واقعیت ایران پیش از انقلاب را به یاد می‌آورد از بین رفت. افراد بسیار کمی در وزارت خارجه یا شورای امنیت ملی آمریکا هستند که بر اساس بازگرداندن ایران به شرایط عادی سیاست‌گذاری می‌کنند. از این روست که باراک اوباما به انقلاب اسلامی در شرایطی که با بحران موجودیت روبرو بود مشروعیت بخشید. در واقع بایدن بجای اینکه اجازه بدهد انقلاب اسلامی زیر بار بی‌کفایتی خود فرو بپاشد، به بقای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و [آیت‌الله] خامنه‌ای کمک می‌کند.

ایرانیان می‌توانند به آزادی برسند. آن‌ها تقریباً در دهه اول قرن بیستم به آن دست یافتند. زمان آن فرا رسیده است که کاخ سفید از مانع‌تراشی بر سر راه ایرانیان دست بردارد.

<https://cutt.ly/hGkpRTK>



روزنامه واشنگتن فری بیکن
متیو تسواک
یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۱۸۰

چگونه دولت بایدن از اسد در برابر تحریم‌ها محافظت می‌کند

وزارت امور خارجه آمریکا موظف شد روز سه‌شنبه گزارشی را به کنگره ارائه نماید که در آن جزئیات نظامی مالی سوریه را شرح دهد، اما توانست به این ضرب‌الاجل درست عمل کند.

گزارش نهایی حاوی چندین اشتباه بود، اطلاعات بسیار کمی در مورد حکومت اسد وجود داشت و قانونگذاران جمهوری‌خواه را نسبت به این واقعیت آگاه کرد که تلاش دولت بایدن برای پنهان کردن اطلاعات مهمی است که می‌تواند به کنگره در ایجاد تحریم‌ها علیه خانواده و متحدان مالی اسد از جمله تحریم‌های مالی کمک کند.

پیش از انتشار این گزارش، اعضای جمهوری‌خواه کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان به واشنگتن فری بیکن گفتند که دولت بایدن به منظور جلوگیری از تحریک ایران در بنبوحه مذاکرات بر سر توافق هسته‌ای جدید، از ارائه این گزارش خودداری می‌کند.

نارسایی‌های گزارش، نگرانی‌ها را در مورد تلاش‌های دولت بایدن برای کاهش فشار بر اسد و مشروعیت بخشیدن به دولت او افزایش می‌دهد. دولت پیش از این طرح‌هایی را برای رفع تحریم‌ها علیه اسد به منظور تسهیل توافق انرژی با لبنان تحت کنترل حزب‌الله ارائه کرده است.

اکثر گزارش‌ها تنها بر مبنای اطلاعاتی که در رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی وجود دارد، منتشر شده است. در حالی که یک ضمیمه طبقه‌بندی‌شده این گزارش را همراهی می‌کند، قانونگذاران و منابع ارشد کنگره گفتند: «اشارات وزارت امور خارجه به اطلاعات منتشرشده قبلی نشان می‌دهد که زمان بسیار کمی را صرف تحقیق در مورد گزارش و اجرای قانون کرده است.»

گزارش‌های بسیار بهتری در مورد ثروت خانواده اسد وجود دارد. این گزارش‌ها دارایی خالص خانواده اسد را حدود ۱ تا ۲ میلیارد دلار می‌داند، اما طبق ادعاها، این تخمین نادرستی است که وزارت امور خارجه نمی‌تواند مستقلاً آن را تایید کند. این گزارش ادعا می‌کند که رami مخلوف، پسر عموی اسد، حدود ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار دارایی دارد. اختلافی که بلافاصله توسط قانونگذاران جمهوری‌خواه که گزارش را بررسی کردند، مشاهده شد.

<https://cutt.ly/XG19dJ>



دادن اطلاعات ژنرال های روسی به اوکراین یک قمار خطرناک است

گزارش نیویورک تایمز مبنی بر اینکه آمریکا با هدف کشتن ژنرال های روسی اطلاعات واقعی را در اختیار ارتش اوکراین قرار داده است، آمریکا را به جنگ واقعی با روسیه نزدیک می کند.

این همچنین به معنای خطر جنگ هسته ای است. دولت بایدن و تشکیلات آمریکا باید فقط یک سوال از خود پرسند: اگر موضع معکوس شود، آمریکا در برابر کمک عمده کشور ثالث به کشتن فرماندهان آمریکایی چه واکنشی نشان خواهد داد؟

اگر روسیه در اوکراین پیروز می شود، کرملین می تواند این نوع کمک های آمریکا به اوکراین را نادیده بگیرد. اما تهاجم روسیه به شمال اوکراین شکست خورد و نیروهای روسی اکنون فقط در شرق اوکراین پیشرفت های کمی دارند. بر اساس گزارش ها، تلفات روسیه بسیار زیاد بوده است که عمدتاً به دلیل تسلیحات ناتو به اوکراین است. این تلفات شامل ۱۲ ژنرال کشته شده است.

در واقع راه های زیادی وجود دارد که روسیه می تواند تا کنون خویشتن داری خود را کنار بگذارد و قتل ژنرال های روسی را تلافی کند مانند: حملات سایبری به زیرساخت های کلیدی غرب، هدف قرار دادن دفاتر و پرسنل آمریکا در کی یف با موشک و پهپاد، ترور دیپلمات ها، پرسنل نظامی و افسران اطلاعاتی آمریکا در سایر کشورها؛ و شلیک های هشداردهنده به خطوط تدارکات ناتو در لهستان.

هر یک از این اقدامات واکنش شدیدی را در آمریکا ایجاد می کند و بدون شک درخواست ها برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع، توسط جنگنده هایی که از پایگاه های ناتو در لهستان به پرواز در می آیند، تجدید می شود. روسیه همچنین به احتمال زیاد منطقه پرواز ممنوع خود را بر فراز بیشتر دریای بالتیک اعلام خواهد کرد. در این صورت احتمالاً دو چیز اتفاق می افتد: آمریکا و غرب به سمت نابودی هسته ای متقابل خواهند رفت و فرانسه، آلمان و سایر اعضای ناتو با دیدن این، صفوف واشنگتن را شکسته و به دنبال توافق صلح خواهند بود.

برای دفع این تهدید، دولت بایدن باید فوراً به روسیه اطمینان دهد که استراتژی آمریکا کمک به دفاع از اوکراین است، و نه تحمیل شکست کامل به روسیه.

<https://cutt.ly/GG33aar>



اقدام پرخطر بایدن برای تفرقه بین ایران و روسیه

رئیس جمهور آمریکا ممکن است مرتکب یک اشتباه استراتژیک شود تا مسکو را شکست دهد. جنگ اوکراین در گوشه‌ای از اروپا در جریان است، اما با طولانی شدن این درگیری، پیامدهای آن به طور فزاینده‌ای گسترده می‌شود و ماهیت چند بعدی می‌یابد. رقابت قدرت‌های بزرگ بین آمریکا و روسیه در جریان است، و برخی از این رقابت‌ها شامل دو دشمن متقابل در غرب آسیا است: یعنی ایران و اسرائیل. دولت آمریکا فکر می‌کند که می‌تواند بر اساس دو هدف به یک پیروزی بزرگ دست یابد. اول متقاعد کردن اسرائیل برای تبدیل شدن به یک عضو بی‌طرف در جنگ اوکراین و پیوستن به اتحاد غربی علیه روسیه. به نظر می‌رسد که به این خواسته خود رسیده است. دوم این که با وعده لغو تحریم‌ها، حذف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست تروریسم و باز کردن بازارهای ایران به سوی اروپا، ایران را از مدار روسیه خارج کند. از آنجایی که اتحادیه اروپا در نظر دارد اقدامات آمریکا برای رد نفت روسیه را به عنوان ابزاری برای مجازات مسکو به دلیل نقشش در جنگ اوکراین دنبال کند، به دنبال تامین‌کنندگان دیگر انرژی است. ایران که در حال حاضر به دلیل برنامه هسته‌ای خود تحریم شده است، به عنوان یک منبع جایگزین در نظر گرفته می‌شود. نظام ایران ارزش نفت خود را در درگیری بزرگ بین غرب و روسیه درک می‌کند. بنابراین، ممکن است با دیدگاه بلندمدت پیشبرد اهداف ایدئولوژیک و استراتژیک خود، مایل باشد که گزینه‌های خود را عملی کند. اگر مذاکرات به لغو تحریم‌های کلیدی مرتبط با نفت منجر شود، آن وقت نظام ایران می‌تواند آماده چرخش به سمت غرب باشد. در هفته‌های اخیر روابط روسیه و اسرائیل وخیم‌تر شده است، زیرا اسرائیل در حال ارائه تسلیحات پیشرفته به اوکراین است.

<https://cutt.ly/9HtnEB1>



چگونه به بن بست روابط آمریکا و عربستان پایان دهیم؟

نگرانی‌های اخیر کاخ سفید در مورد حکومت سعودی، بیشتر حول سوابق حقوق بشر، درگیری یمن و قتل خاشقچی است که همه در چارچوب حمایت آمریکا از دفاع از دیگر متحدان شورای همکاری خلیج فارس است. یکی از شعارهای دولت بایدن، تمرکز بر حفظ و مدیریت ائتلاف بود، اما هنوز هیچ اتفاق مهمی برای بازگرداندن عربستان به گروه طرفدار غرب انجام نداده است. در عوض، ریاض در سپتامبر ۲۰۲۱ یک توافقنامه نظامی با روسیه منعقد کرد و در ساخت موشک‌های بالستیک خود با کمک چین پیش رفت. تهاجم روسیه به اوکراین در اوایل سال ۲۰۲۲، محاسبات انرژی آمریکا را به‌ویژه با توجه به انتخابات میان دوره‌ای در نوامبر برهم زده، اما حکومت سعودی مشتاق حفظ توافق تولید اوپک پلاس بوده است. روسیه و چین هر دو تلاش کرده‌اند خلأ حضور آمریکا را پر کنند و در منطقه حضور داشته باشند. کاخ سفید مجبور شده برای کمک به کاهش قیمت گاز، ذخایر استراتژیک نفت خود را آزاد کند.

محاسبات ولیعهد عربستان ممکن است این باشد که دولت بایدن را نیز می‌توان نادیده گرفت، یا تا سال ۲۰۲۴ منتظر ماند. این یک استراتژی مخاطره‌آمیز خواهد بود.

روابط دوجانبه آمریکا و عربستان از طریق دیگر مسائل ساختاری، مانند جهت‌گیری مجدد صندوق سرمایه‌گذاری عمومی این کشور به داخل تضعیف شده است. این حکومت پادشاهی به طور فزاینده‌ای به سمت شرق و به بازارهای رو به رشد انرژی در چین و هند نگاه می‌کند. عربستان حدود یک چهارم نفت خود را به چین می‌فروشد، کشوری که شراکت استراتژیک جامعی با این حکومت دارد. این کشور در برابر ضرب‌الاجل چشم‌انداز ۲۰۳۰ برای نتایج ملموس تحت فشار است که به منظور جلب توجه ملی و تقویت مشروعیت سیاسی محمد بن سلمان قبل از رسیدن به تاج و تخت مورد نیاز است. افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری آمریکا برای انجام این کار ضروری است و بیشترین فوریت را برای حل بن‌بست کنونی آمریکا و عربستان ایجاد می‌کند.

آینده روابط و نظم بین‌المللی نتولیرال به همان اندازه در توافق هسته‌ای ایران و بازگشت آن به بازار بین‌المللی نفت نهفته است. بن‌بست سیاسی را می‌توان شکست، اما به نظر می‌رسد روابط آمریکا و عربستان نسبت به گذشته بسیار محتاطانه‌تر شده است.

<https://cutt.ly/CHjVGZo>



چرا وا شنگتن باید تهدیدات هسته‌ای روسیه را جدی بگیرد؟

در ماه فوریه، به راجر کوهن از نیویورک تایمز گفتم: «برای من سخت است که باور کنم هر رهبر جهانی، از جمله ولادیمیر پوتین، در هر یک از سناریوهایی که در اینجا داریم، به طور جدی به استفاده از سلاح هسته‌ای فکر کند، چرا که آن‌ها عواقب آن را درک می‌کنند.» فکر می‌کنم احتمال حمله هسته‌ای کم است، اما تصور این امر برایم راحت‌تر از چند ماه پیش است. دولت بایدن تا حدودی به خطر تشدید تنش توجه داشته است. این امر یکی از دلایلی است که رئیس‌جمهور در همان ابتدا گفت که سربازان آمریکایی را برای جنگ در اوکراین نمی‌فرستد. فرض این سیاست اینگونه است که تا زمانی که آمریکایی‌ها ماشه‌ها را نکشند و فعالانه روس‌ها را به قتل نرسانند، خطرات فزاینده به حداقل می‌رسد. جو بایدن و دیگران به وضوح امیدوارند که چنین باشد و کارشناسان نظامی مانند لارنس فریدمن نیز با این موضوع موافقت می‌کنند.

این موضع پایه و اساس درستی دارد. اجتناب از درگیری مستقیم تسلیحاتی بین نیروهای آمریکا و شوروی یکی از قوانین نانوشته کلیدی جنگ سرد و قانون خوبی بود. اگر آمریکایی‌ها و شوروی‌ها در آن سال‌ها شروع به تیراندازی به سمت یکدیگر می‌کردند، خطر تشدید تصادفی یا سهوی قابل توجه بود. به دلایل مشابه، امروزه نگه داشتن نیروهای آمریکا در خارج از جنگ حرکت درستی است. متأسفانه، این سیاست مانعی مطلق برای تشدید ناخواسته نیست. سابقاً، دولت‌ها نه به خاطر کسانی که در میدان نبرد با آن‌ها روبرو بوده‌اند، بلکه به این دلیل که در دستیابی به اهداف جنگی خود شکست می‌خورند و حتی ممکن است با احتمال شکست بزرگی مواجه شوند، تشدید می‌شوند.

برای مثال، در طول جنگ جهانی اول، بن‌بست در جبهه غربی، هر دو طرف را به گسترش جنگ سوق داد. آلمانی‌ها جنگ زیردریایی نامحدود را آغاز کردند، انگلیسی‌ها کوشیدند با حمایت از شورش اعراب و حمله به گالیپولی، امپراتوری عثمانی را تضعیف کنند و هر دو طرف از گاز سمی استفاده و اهداف غیرنظامی را بمباران کردند.

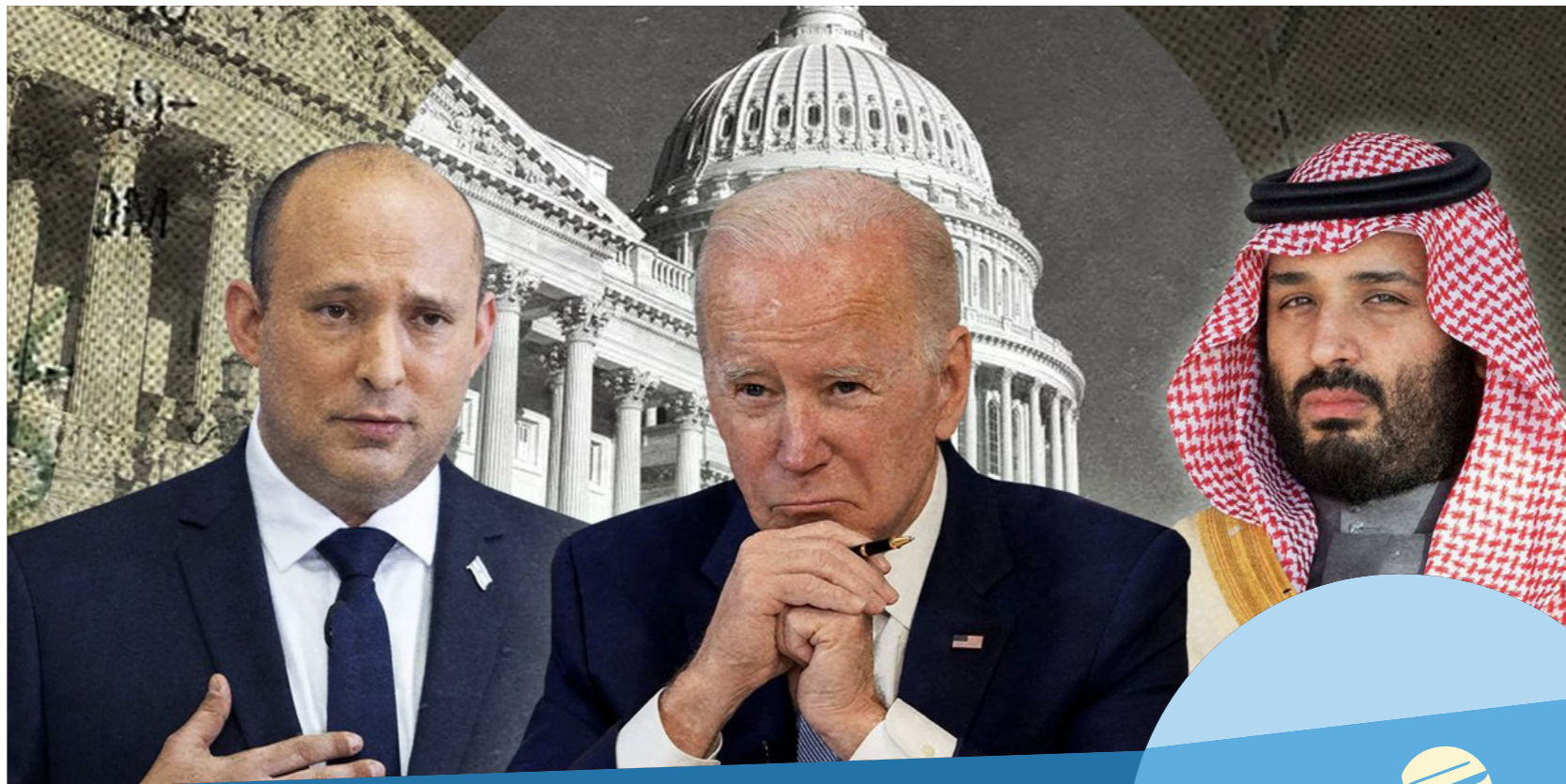
<https://cutt.ly/AHS2y1M>



روابط اسرائیل با سعودی ها در گرو کمک بایدن است

ایران تنها کشور غرب آسیا نیست که اسرائیل و آمریکا ظاهراً در مورد آن اختلاف نظر دارند. مقامات اسرائیلی و قانونگذاران ارشد دموکرات نیز بر سر روابط هنوز گرم کاخ سفید با عربستان اختلاف نظر دارند. روابط آمریکا و عربستان از زمان روی کار آمدن بایدن زمان بدتر شده است، به ویژه پس از گزارش اطلاعاتی دولت در ماه فوریه سال ۲۰۲۱ که محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی را به خاطر قتل وحشیانه جمال خاشقجی در کنسولگری عربستان محکوم کرد. دولت بایدن اکنون به دلیل ادامه مذاکرات توافق هسته‌ای ایران و حمله روسیه به اوکراین، خود را در نقطه عطف با ریاض می‌بیند. فوری‌تر از همه، آمریکایی‌ها از عربستان می‌خواهند که تولید نفت خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهد تا قیمت‌ها در بحبوحه تحریم‌های روسیه و تورم داخلی را مهار کند. با این حال، عربستان با استناد به توافق موجود با اوپک و سایر متحدان، از این اقدام خودداری کرده است. مقامات اسرائیلی نگران هستند که دور شدن آمریکا و عربستان می‌تواند جرقه مشکلات پی در پی باشد و منجر به جدایی آمریکا از غرب آسیا و ایجاد خلاء قدرت برای ایران شود. برخی دیگر نگرانند که عربستان ممکن است از نظر استراتژیک خود را با چین و روسیه هماهنگ کند. عربستان و اسرائیل آشکارا اطلاعاتی را در مورد ایران به اشتراک می‌گذارند، و همسویی مجدد احتمالی سعودی‌ها با ایران، اسرائیل را در موقعیتی ضعیف با متحدان ابرقدرت استراتژیک خود قرار می‌دهد. مایکل هرتزوغ، پنجشنبه گذشته نگرانی‌های اسرائیل را بیان کرد و بر نیاز آمریکا به بهبود روابط خود با سعودی‌ها به خاطر امنیت منطقه تاکید کرد. توافقنامه صلح آبراهام بدون عربستان و آمریکا امکان‌پذیر نخواهد بود. اما اسرائیل قطعاً از ایفای نقش میانجی برای کسانی که به دنبال بهبود روابط با واشنگتن هستند، ابایی ندارد. اولویت اسرائیل این است که ارتش آمریکا را در غرب آسیا حفظ کند. توافق قریب‌الوقوع ایران، همچنان اسرائیل را به آغوش سعودی‌ها سوق می‌دهد. هم اسرائیل و هم عربستان به شدت با توافقی که به دشمن مشترک قسم خورده آن‌ها در سراسر منطقه قدرت می‌دهد، مخالف هستند.

<https://cutt.ly/dGf5Sga>



روزنامه جرزالیم پست
آوق کیل
بیستم اردیبهشت ۱۴۰۱، شماره ۱۸۵

دولت اسرائیل باید با جی استریت همکاری کند

جی استریت که با حزب دموکرات در آمریکا شناخته می شود، سال هاست که از سوی دولت اسرائیل مورد بی مهری قرار گرفته است.

بی میلی اسرائیل به این لابی که متشکل از یهودیان است، در طول این سالها کم رنگ نشده است. اما امروزه، و به ویژه در مورد تهدید هسته ای ایران، جی استریت ممکن است به عنوان یک عامل موثر شناخته شود.

آخرین نظرسنجی موسسه یهودی الکتورات نشان می دهد که تغییرات آب و هوایی در صدر فهرست اولویت های یهودیان آمریکایی (۲۹ درصد) قرار دارد، در حالی که مسائل اسرائیل (۴ درصد) و ایران (۳ درصد) در انتهای فهرست قرار دارند. این آمار باید رهبران اسرائیل را نگران کند.

یهودیان آمریکا، شرکای آشکار در حمایت از این مأموریت هستند. با این حال، در سال های اخیر همکاری بین اسرائیل و یهودیان آمریکایی به طور فزاینده ای همراه با مشکل بوده است.

بازتاب درگیری شدید بین نتانیاهو و باراک اوباما بر سر توافق با ایران، هنوز در ذهن یهودیان آمریکایی موج می زند. دموکرات ها احساس کردند که نتانیاهو آن ها را نادیده می گیرد و تیم او به طور توهین آمیزی ادعا می کند که مسیحیان انجیلی بیش از آن ها به اسرائیل وفادار هستند.

تأثیر این افکار از سوی دولت بنت نیز حس می شود. دولت بنت-لاپید به دلیل تمایل به احیای روابط با یهودیان آمریکایی، بسیار مراقب است.

جی استریت از سیاست اوباما و بعداً جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، برای پیگیری توافق با ایران حمایت کرد. در این زمینه، اگر این لابی در قبال ایران موضعی را پیش برد که به اسرائیل کمک کند، هیچ کس نمی تواند آن را به بی وفایی به بایدن متهم کند. برای مثال، ترویج اقداماتی برای اطمینان از اجرای توافق برجام در صورت امضا و در عین حال، تقویت قابلیت های اسرائیل برای محافظت از خود بسیار حائز اهمیت است.

هنگامی که یک تهدید جدی برای امنیت ملی اسرائیل تشدید شود، دولت اسرائیل باید صدای خود را بدون توجه به هر چیزی، بیش از گذشته به گوش مردم برساند. در عین حال، اهرم استراتژیکی مانند جی استریت فرصتی است که نباید از دست داد.

<https://cutt.ly/FG6MH3e>



اسرائیل نمی تواند با ترور رهبر حماس حملات تروریستی را متوقف کند

زمان، دستگیری تروریست‌های فلسطینی را که در پایان روز استقلال، سه غیر نظامی اسرائیلی را در شهر الاد به قتل رساندند، حل می کند. پوشش اطلاعاتی اسرائیل از کرانه باختری جامع و منابع و تلاش‌های اختصاص داده شده به تعقیب جنایتکاران آنقدر زیاد است که این سوال مطرح می شود: آیا آن‌ها در درگیری با نیروهای امنیتی زنده دستگیر می شوند یا می میرند. مسئله بزرگی که نیروهای امنیتی در موج کنونی ترور با آن مواجه‌اند، حل حملات یا دستگیری مهاجمان نیست. مشکل، جمع آوری هشدارهای اولیه است که می تواند جلوی تروریست‌ها را بگیرد. در سلسله حملات قبلی گرگ‌های تنها در سال ۲۰۱۵، اسرائیل روش‌هایی را برای ردیابی اظهارات افراطی در شبکه‌های اجتماعی تدوین کرد، اما به نظر می رسد این بار تروریست‌ها با احتیاط بیشتری عمل کرده و از باقی گذاشتن هر گونه اثری از نیت خود اجتناب می کنند. موج کنونی حملات از اورشلیم آغاز شد، زمانی که یک فلسطینی اهل الخلیل، یک کارگر مولداوی را که به اشتباه تصور می کرد اسرائیلی است، در ۲۰ مارس به قتل رساند. تاکنون هفت حمله مرگبار رخ داده که جان ۱۶ غیر نظامی و سه پرسنل امنیتی را گرفته است. عدم وجود سازمانی در پشت این حملات، شناسایی اهداف دیگری را که می توان قبل از حمله دستگیر کرد، دشوار می سازد. بازدارندگی اسرائیل در این مقطع چندان عالی به نظر نمی رسد. سینوار یک قاتل محکوم است که بیش از ۲۰ سال را به دلیل قتل و شکنجه افراد مظنون به همکاری با اسرائیل در زندان گذرانده است. لازم به ذکر است که وی در جریان معامله مبادله زندانیان شالیات توسط بنیامین نتانیاهو آزاد شد. همه دولت‌های اخیر تلاش کرده‌اند بین کرانه باختری و نوار غزه تفکیک ایجاد کنند. سینوار سال گذشته این تمایز را از بین برد و شلیک موشک از غزه در عملیات لبه حفاظتی را به درگیری‌ها در کوه معبد و درگیری با اعراب اسرائیلی در خط سبز مرتبط ساخت. از یک سو، او آشکارا ترور را در اسرائیل و کرانه باختری تشویق می کند. از سوی دیگر، سیاست کاهش محدودیت‌ها و بازسازی غزه طبق معمول ادامه دارد. ترور به معنای دور دیگری از جنگ در غزه است که اسرائیل اکنون به آن علاقه‌ای ندارد. علاوه بر این، ترورها تاکنون نتایج متفاوتی در مقابله با حملات تروریستی داشته است.

<https://cutt.ly/oHqls5x>



اسرائیل سیاست داخلی، ایران و غزه را فریب می دهد

اسرائیل آماده خاموش کردن آتش در جبهه ایران و همچنین نوار غزه و عرصه سیاسی داخلی است. توافق هسته‌ای با تهران مهم‌ترین چالش است. این هفته مشخص می‌شود که آیا ایران برای همیشه به تلاش‌های آمریکا برای دستیابی به توافق هسته‌ای پایان می‌دهد یا خیر.

در حال حاضر، مذاکرات به بن‌بست رسیده و غرب متوجه شده که ایران هرگز قصد دستیابی به توافق را نداشته است. یکی از مذاکره‌کنندگان ایرانی هفته گذشته اظهار داشت: «باید صادقانه به مردم گفت که این توافق موفقیت‌آمیز نخواهد بود.»

شکست مذاکرات وین پیامدهای بلندمدتی خواهد داشت.

یک تهدید نزدیک‌تر و فوری‌تر برای اسرائیل، موج تروریستی جاری است که در روز پنجشنبه در جریان حمله با چاقو در شهر الاد جان سه نفر دیگر را گرفت.

رسانه‌های اجتماعی از آن زمان با پست‌های پوپولیستی خواهان ترور یحیی سنوار، رهبر حماس، تهاجم به نوار غزه و غیره‌اند.

برخی به تصمیم نتانیاهو برای آزادی سنوار به‌عنوان بخشی از توافق مبادله اسرا برای آزادی گیلاد شالیت، سرباز اسرائیلی که به مدت پنج سال در بازداشت حماس بود، اشاره می‌کنند.

سنوار یک قاتل بنیادگراست که در نقش اصلی سیاسی خود یعنی بهبود کیفیت زندگی در غزه شکست خورد. با این حال، کشتن او جنگ با گروه‌های تروریستی در نوار و هفته‌ها شلیک موشک به جوامع اسرائیلی را تضمین می‌کند.

مجازات غزه برای حملات تنها شانس گسترش خشونت به کرانه باختری و داخل اسرائیل را افزایش می‌دهد.

طی دو سال گذشته، درخواست‌های مستمری مبنی بر آغاز عملیات نظامی گسترده در غزه وجود داشته است، اما چنین اقدامی باید با اهداف روشنی همراه باشد و در حال حاضر آن‌ها در افق دید نیستند.

کابینه در حال بررسی سیاست خود برای اجازه دادن به غزه جهت کار در اسرائیل است، در حالی که حماس به تحریک خشونت ادامه می‌دهد. بنابراین، انتخاب‌های دقیق‌تری باید برای افراد خواهان زندگی بهتر وجود داشته باشد.

<https://cutt.ly/kHrY1Ma>



دلیل افزایش حملات تروریستی در اسرائیل چیست؟

هفت حمله تروریستی طی ۶ هفته گذشته باعث مرگ ۱۹ اسرائیلی شده است. برخی از حملات بسیار وحشتناک بودند و مهاجمان تبر به دست داشتند. بعضی دیگر شامل تیراندازی در کافه‌های شلوغ شهر بود. مقامات اسرائیلی انتظار دارند که موج ترور، بدترین موج چند سال اخیر، ادامه یابد.

کارشناسان معتقدند که هیچ موضوع واحدی وجود ندارد و هیچ گروهی نیست که بتواند مسئولیت آن را بر عهده گیرد. حماس که از سوی آمریکا در لیست سازمان‌های تروریستی قرار گرفته، نسبت به هر قتلی جشن می‌گرفت، اما دولت اورشلیم این گروه را برای طراحی حملات در نظر نگرفته است. داعش مسئولیت حمله دیگری را بر عهده گرفت.

بعضی‌ها به آنومی فلسطین و سنی‌ها اشاره کرده‌اند. برخی دیگر رمضان، ماه مقدس اسلامی را مقصر می‌دانند. سنت‌گرایان با مداخلات شدید در کوه معبد در پی خشونت فلسطینی‌ها و تنش‌های معمول بین اعراب و یهودیان، اسرائیلی‌ها را شرور معرفی کرده‌اند. تقریباً نیمی از فلسطینی‌های شرکت‌کننده در نظرسنجی بر این باورند که «مبارزه مسلحانه»، راه حل مشکلات آن‌هاست. ۵۸ درصد مخالف چاره دو کشوری‌اند. ۷۰ درصد مخالف بازگشت بدون قید و شرط به مذاکرات با اسرائیل هستند. تقریباً به همان اندازه نسبت به گفتگو با آمریکا ناراضی‌اند. متأسفانه، ۷۳ درصد معتقدند که قرآن حاوی پیش‌گویی درباره نابودی دولت اسرائیل است.

نظرسنجی انجام‌شده توسط اندیشکده واشنگتن پیش از همه‌گیری کرونا، نشان‌دهنده گرایش تقریباً سراسری فلسطینی‌ها به سمت بدبینی بیشتر نسبت به آینده، آرزوهای کمتر واقع‌بینانه برای پیروزی در درگیری‌ها، افزایش تعهد به بازگرداندن همه سرزمین‌های «تاریخی فلسطین» و کاهش حمایت از چاره دو کشوری است.

مشکل دیگر، اقتصاد فلسطین است: فلسطینی‌ها که قبل از ابتلا به کووید آسیب‌پذیر و منحصرأ به کمک‌های خارجی وابسته بودند، رکود اقتصادی چشمگیر، از دست دادن مشاغل و کاهش مداوم جریان کمک‌ها را متحمل شدند.

مطمئناً به دلایل سیاسی تاریخی و کنونی، نفرت نسبت به اسرائیل و یهودیان دیده می‌شود، اما تشویق سیاسی و تمجید بی‌پایان از کشتار نیز وجود دارد. ایمان به خودگردانی دموکراتیک از بین رفته، زیرا تشکیلات خودگردان فلسطین طی ۲۲ سال هیچ انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار نکرده است.

آمریکا تلاش چندانی برای سرنگونی یا بی‌ثبات کردن گروه تروریستی که زمام قدرت در غزه را در دست دارد، نمی‌کند.

<https://cutt.ly/3HkiXCr>



تنش بین اسرائیل و فلسطین، معضل غرب آسیاست

درست حدود ۶ هفته پیش، در ۲۷ مارس، زمانی که یاسر لاپید، وزیر امور خارجه اسرائیل میزبان همتایان خود در توافقنامه آبراهام از آمریکا، مراکش، بحرین و امارات بود، به نظر می‌رسید که مسئله فلسطین به نقطه پایانی رسیده است.

به نظر می‌رسد که اسرائیل نمی‌تواند در نبرد افکار عمومی که در سراسر غرب آسیا و فراتر از آن بر سر تیراندازی ۱۱ ماه می (که به قتل «شیرین ابواکله»، روزنامه‌نگار فلسطینی-آمریکایی منجر شد) در شهر جنین در کرانه باختری انجام داد، پیروز شود.

افکار عمومی، روز جمعه، ۱۳ می، زمانی که نیروهای امنیتی اسرائیل به معترضان با استفاده از شوکر و گاز اشک‌آور در قبرستان کاتولیک ملکیت در شهر قدیمی اورشلیم حمله کردند، از قبل هم بدتر شد. کشتن ابواکله، تشدید خشونت‌ها در اطراف مسجد الاقصی در قدس در ماه گذشته و همچنین حملات تروریستی که در اسرائیل رخ داد، باعث تشدید تنش‌ها میان اسرائیل و نوار غزه شد.

در پنجم ماه می، در پی سخنرانی یحیی سنوار، رهبر حماس که در آن اعلام کرد «هرکس تفنگ در اختیار دارد، آن را آماده کند و اگر ندارد، چاقو یا تیر آماده کند»، در حمله تروریستی به شهر الاد اسرائیل، سه نفر کشته و شمار زیادی زخمی شدند.

گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی حماس، پیش از این مسئولیت تیراندازی مرگبار در ۲۹ آوریل که به کشته شدن یک نگرهبان امنیتی اسرائیلی در شهرک آریل در منطقه سلفیت در شمال کرانه باختری شد را بر عهده گرفته بودند. حملات تروریستی افزایش یافته در حالی رخ داده که اسرائیل در حال گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری است. فلسطین، به علت لغو انتخابات در سال گذشته و اقتصاد نامطلوب و رو به پسرفت، در حال از دست دادن حمایت مردمی است.

به نظر می‌رسد در پنجم ماه می، یک هیئت بلندپایه حماس برای دیدارهایی در مسکو بودند. به نظر می‌رسد هدف این هیئت، تقویت روابط فلسطین با روسیه و درخواست حمایت برای مقابله با اسرائیل باشد. هرچند که بعید به نظر می‌رسد ارتباط جدی بین دو طرف شکل گیرد. اقتصاد فلسطین نیازمند «اصلاحات تحول آفرین» است.

<https://cutt.ly/6HES7qV>



اندیشکده گیت استون
امیر ظاهری
چهارم اردیبهشت ۱۴۰۱، شماره ۱۲۵

عمران خان: قربانی پوتین

چهار سال گذشته، نخست‌وزیری عمران خان داستانی از تقلب‌ها و وعده‌های عمل نشده بوده است. او تلاش کرد تا از نخبگان نظامی قدرتمند پاکستان به عنوان پایگاه پشتیبانی در برابر رقبای سیاسی واقعی یا خیالی استفاده کند، اما متوجه نبود که در آغوش گرفتن یک قدرت بزرگ ممکن است خطر له شدن توسط آن را در پی داشته باشد.

عمران خان از بسیاری جهات یک خارجی بود. اولاً، او بر خلاف مقامات پیشین خود نه سندی بود و نه پنجابی، بلکه یک پاتان تبار بود. او نه از یک طایفه فئودالی بود و نه از خانواده کمپرادورهای شهری.

ازدواج عمران خان با دختر یک میلیاردر یهودی انگلیسی، نیز به او کمک خاصی کرد.

عمران خان فردی استثنایی بود، زیرا بدون یک حزب سیاسی مناسب و به لطف یک پایگاه حمایتی که از طریق کاریزمای شخصی او ایجاد شده بود، به قطب سیاست پاکستان صعود کرد.

بنابراین، اوایل این هفته، زمانی که نخست‌وزیری عمران خان به پایان رسید، جای تعجب نداشت که او تنها نخست‌وزیر پاکستان شد که توسط پارلمان برکنار شد و به نظر می‌رسید یک کودتا به نظر باشد.

برای پیچیده‌تر کردن اوضاع، عمران خان خود را به عنوان پدرخوانده طالبان افغانستان معرفی کرد و در نتیجه استراتژی ارتش پاکستان برای آرام نگه داشتن افغان‌ها را خراب کرد. با بازگشت طالبان به عنوان نیرویی که کابل را کنترل می‌کند، عمران خان نقش مهمی در متقاعد کردن چین برای پذیرفتن طالبان ایفا کرد.

او یکی از تنها دو رئیس دولت خارجی شد که در پی حمله پوتین به اوکراین از مسکو دیدن کرد، سفری که تبلیغات روسیه آن را به عنوان حمایت کامل از جنگ برشمرد.

تفکرات خان در مورد «نگرانی‌های امنیتی مشروع روسیه» و تأیید ضمنی ادعای پوتین مبنی بر اینکه اوکراین در واقع بخشی از روسیه است که توسط «تئونازی‌ها» و «مپریالیست‌ها» جدا شده است زنگ خطر را در اسلام آباد و فراتر از آن به صدا درآورد.

پکن نیز از او ناراحت بود زیرا برای چندین دهه تصور می‌کرد که پاکستان بدون مشورت با متحدان و خیرین چینی خود هیچ حرکت بزرگی انجام نخواهد داد.

تحرکات نابخردانه اخیر او به نخبگان حاکم سنتی پاکستان، ائتلافی از زمینداران فئودال، بازرگانان بزرگ، «علمای مذهبی» و افسران نظامی و امنیتی این فرصت را داد تا اصلاحات و سازماندهی مجددی را که او ایجاد کرده بود از بین ببرند.

<https://cutt.ly/gF9SfeE>



مؤسسه مطالعات امنیت ملی (INSS)
اثن کدوری / جونی عیسی
ششم اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۲۷۷

ارزیابی شرایط حاصل از ۱۱ سال جنگ در سوریه

۱۱ سال از آغاز جنگ داخلی در سوریه می‌گذرد، جنگی که با شکست تلخ مخالفان و پیروزی پوچ بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور به پایان رسید. جنگ چهره سوریه را تغییر داد: این کشور اکنون به چهار منطقه تقسیم شده که هر کدام تحت تأثیر نیروهای خارجی است. وضعیت انسانی وخیم است. بسیاری از پناهندگان از سوریه گریخته‌اند و کشور از تنش بین تلاش‌های دولت اسد برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی و ایران متلاشی شده است.

جنگ با بقای دولت اسد، پیروزی ائتلاف حامی وی و با کمک روسیه و ایران به پایان رسید، اما بشار اسد تنها ۶۰ درصد از خاک سوریه و حدود نیمی از جمعیت این کشور را بازپس گرفته است. در مناطق خارج از کنترل دولت، واحدهای سیاسی نیمه‌مستقل ایجاد شده‌اند و در واقع، سوریه همچنان به چهار منطقه تقسیم شده است.

بیش از یک دهه جنگ منجر به بحران اقتصادی شدید و بی‌سابقه شده است. این خسارت با کاهش حدود ۴۰ درصدی تولید ناخالص داخلی و افزایش چشمگیر تورم، ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است که قدرت خرید مردم را از بین می‌برد. ۹۰ درصد جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند و ۱۱ میلیون سوری به دلیل کمبود شدید غذا و آب به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند. سیستم بهداشتی از هم فرو پاشیده و طرح امداد سازمان ملل تنها ۴۶ درصد نیازهای بشردوستانه را برآورده می‌کند.

۶۸ میلیون سوری که در خارج از کشور پناه گرفته‌اند، شهادی بر تأثیرات بحران سوریه است. جنگ به خواست اسد شروع شده، اما به دلیل شرایط سخت زندگی در سراسر کشور، به‌ویژه در جنوب، اعتراضاتی وجود دارد.

قبل از جنگ، اسرائیل تهدیدی برای ارتش سوریه بود و بیشتر منابع آن به طرح‌های مبارزه با دولت بهبود، از جمله قابلیت‌های شیمیایی، اختصاص داشت. با آغاز جنگ داخلی، مبارزه برای ثبات دولت به تهدید معیار تبدیل شد.

از یک سو، حضور ایران به اهداف دولت اسد برای بازپس‌گیری حاکمیت کامل بر کشور، نفی اسرائیل جهت ادامه حملات هوایی خود و جلب حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس لطمه می‌زند. از سوی دیگر، به خاطر کمک‌ها و حمایت‌هایی که در سال‌های جنگ دریافت کرده، به ایرانی‌ها بسیار بدهکار است و قادر به بازپرداخت ۱۷ میلیارد دلار بدهی به ایران نیست.

<https://cutt.ly/1Ghy1ZD>



زمان پایان دادن به جنگ فراموش شده یمن است

صحنه‌های قتل عام در اوکراین جرقه خشم و اقدام هماهنگ علیه تهاجم روسیه به این کشور را برانگیخته است که اکنون در هشتمین هفته خود قرار دارد. اما درگیری دیگری وجود دارد که اکنون در هشتمین سال خود قرار دارد، و منجر به کشته شدن نزدیک به نیم میلیون نفر و سوق دادن میلیون‌ها نفر دیگر به مرز قحطی شده است. برخلاف جنگ اوکراین، جایی که واشنگتن در تلاش برای پایان دادن به جنایات روسیه با موانع ترسناکی روبرو است، آمریکا اهرم قابل توجهی در پایان دادن به درگیری یمن دارد.

جنگ کنونی در یمن با مداخله عربستان و امارات با هدف شکست جنبش بومی حوثی و بازگرداندن نظام قبلی به قدرت آغاز شد. رهبری عربستان وعده جنگی کوتاه را داد. در عوض، این مداخله باعث بدترین بحران بشردوستانه در جهان شده است، به طوری که غیر جنگجویان به دلیل حملات هوایی عربستان و محاصره هوایی و دریایی خفه کننده که باعث کاهش واردات سوخت و کمک‌های بشردوستانه ضروری شده است، بیشترین تلفات را متحمل شده‌اند.

آمریکا از یک ناظر بی گناه در جنگ یمن فاصله زیادی دارد. این کشور ده‌ها میلیارد دلار بمب، موشک، هواپیماهای جنگی و هلیکوپترهای تهاجمی را به عربستان و امارات عرضه کرده است، سلاح‌هایی که ستون فقرات تلاش‌های جنگی عربستان و امارات بوده است. قطع تسلیحات، قطع یدکی و تعمیر و نگهداری، نیروی هوایی سلطنتی سعودی را در مدت کوتاهی زمینگیر می‌کند و پیامی قدرتمند به رهبری عربستان می‌فرستد که آن‌ها باید به حملات خود به یمن پایان دهند و با حسن نیت برای پایان دادن به جنگ مذاکره کنند. متأسفانه، دولت بایدن تاکنون نتوانسته این کار را انجام دهد.

کارنامه دولت در مورد یمن، به بیان خفیف، ناامیدکننده بوده است. بایدن زمانی که در مسیر مبارزات انتخاباتی قرار داشت، عربستان را «منزوی» خواند و متعهد شد که جریان تسلیحات آمریکا به نظام را متوقف کند. در اولین سخنرانی سیاست خارجی خود، او گفت که به حمایت از عملیات تهاجمی در یمن همراه با فروش تسلیحات مربوطه پایان خواهد داد. در عوض، دولت او بیش از یک میلیارد دلار تسلیحات به عربستان در اولین سال حضور خود فروخت و این کشور از استفاده از تمام اهرم‌هایی که در اختیار دارد برای پایان دادن به حملات عربستان به یمن خودداری کرده است.

<https://cutt.ly/IGlu9ie>



تأثیر جنگ اوکراین بر دیپلماسی موشکی غرب آسیا

ابهامات روسیه، حواس پرتی آمریکا و اتکای کشورهای عرب خلیج فارس به بازدارندگی و دفاع، احتمالاً چشم انداز رسیدگی به اشاعه موشکی منطقه‌ای از طریق دیپلماسی را تضعیف خواهد کرد.

تهاجم اخیر روسیه به اوکراین، مسکو را به سمتی سوق داده است که احتمالاً یک رویارویی طولانی با کشورهای غربی خواهد بود. چگونگی رویکرد مسکو و پایتخت های غربی به این رویارویی، آینده غرب آسیا را نیز رقم خواهد زد.

نگرانی در مورد اشاعه موشکی در غرب آسیا پیش از تجاوز روسیه به اوکراین نیز وجود داشت. چندین کشور غرب آسیایی مانند ترکیه، امارات، ایران، اسرائیل، مصر و عربستان، چندین دهه است که موشک‌ها را در استراتژی‌های نظامی خود ادغام کرده‌اند که برخی به تولید بومی و برخی دیگر به تامین کنندگان خارجی متکی هستند. ایران بزرگترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشک‌های بالستیک در منطقه را در اختیار دارد.

در سال‌های اخیر، ایران استقرار سلاح‌های ضربتی دقیق را در سراسر خدمات نظامی خود گسترش داده است. حمله موشکی اخیر علیه دارایی‌های ادعایی اسرائیل در اربیل عراق حداقل پنجمین باری است که نشان می‌دهد ایران از موشک‌های بالستیک استفاده کرده است. در مواجهه با این تحولات، کشورهای عربی خلیج فارس که مدت‌ها از شکست برجام برای مقابله با تهدید موشکی و نیابتی ایران ناراحت بودند، نگران تر شده‌اند. کشورهای عربی خلیج فارس، به ویژه عربستان و امارات احساس می‌کنند که تهدید ناشی از سیستم‌های موشکی ایران به سطوح غیرقابل قبولی رسیده است.

جنگ اوکراین و در نتیجه رویارویی روسیه و غرب، چشم‌انداز رسیدگی به گسترش موشک‌های منطقه‌ای را از طریق دیپلماسی پیچیده‌تر خواهد کرد. اگرچه مسکو و واشنگتن در سال‌های گذشته اغلب بر سر توازن صحیح در برخورد با بازیگران منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در غرب آسیا اختلاف نظر داشتند، همکاری آن‌ها برای دستیابی به کنترل تسلیحات ضروری است. در حالی که اکنون به نظر می‌رسد سرنوشت برجام اساساً به تصمیمات اتخاذ شده از سوی ایران و آمریکا وابسته است، وضعیت اوکراین احتمالاً بر تمایل مسکو برای همکاری با کشورهای غربی در تلاش‌های بیشتر برای کنترل تسلیحات تأثیر خواهد گذاشت. در میان تصورات مبنی بر اینکه آمریکا تعهد خود به غرب آسیا را بازآرایی خواهد کرد و تهدید هسته‌ای ایران را در اولویت قرار خواهد داد، کشورهای عرب خلیج فارس ممکن است در واقع اتکا به خود و همکاری بیشتر با ایران را انتخاب کنند. آن‌ها ایران را شریک ضروری می‌دانند.

<https://cutt.ly/eGOBeBk>



درس های جنگ موشکی روسیه در اوکراین برای ایران

تهاجم روسیه به اوکراین به بزرگترین میدان آزمایش موشک های بالستیک و کروز در جنگ های مدرن تبدیل شده است. بر اساس آخرین آمار یک مقام ارشد آمریکایی، تا تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۲۲، روسیه بیش از ۱۹۵۰ موشک پرتاب کرده است که بسیار بیشتر از ۹۵۵ حمله موشکی کروز نیروهای آمریکایی در طول تهاجم به عراق در سال ۲۰۰۳ است. گذشته از مقیاس، استفاده از موشک ها در عملیات روسیه از نظر ترکیب سیستم های به کار رفته نیز با جنگ های قبلی قرن بیست و یکم متفاوت است.

در واقع، اولین بار از زمان جنگ جهانی دوم است که موشک های بالستیک تاکتیکی نقش مهمی در نبرد ایفا می کنند. سرلشکر عزیز نصیرزاده، معاون رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: «درس مهم جنگ اوکراین این است که نمی توانید چشمان خود را روی بازدارندگی ببندید و درباره محدود کردن قدرت موشکی (نظامی) خود صحبت کنید.» بسیاری از چهره های محافظه کار در ایران نیز اظهارات مشابهی را ارائه کرده اند و از این روایت حمایت می کنند که جنگ سرنوشت هر کشوری است که توانایی های بازدارندگی خود را در اختیار دشمنان قرار می دهد و به تضمین های امنیتی قدرت های خارجی متکی است. جنگ اوکراین احتمالاً بر تفکر اصول موشکی ایران، به ویژه روش هایی که در آن نیروهای موشکی باید در سطح تاکتیکی به کار گرفته شوند، تأثیر خواهد گذاشت.

مورد اوکراین ثابت می کند که تداوم شلیک موشک به مواضع دشمن در یک جنگ بزرگ متعارف هم امکان پذیر و هم مؤثر است. به خصوص زمانی که بازدارندگی شکست خورده و جنگ اجتناب ناپذیر است، موشک ها می توانند به جبران کمبود نیروی هوایی در سطح تاکتیکی کمک کنند.

یکی از دلایل اصلی اتکای شدید روسیه به موشک در اوکراین، شکست نیروی هوایی این کشور در تامین برتری هوایی است. برای کشوری مانند ایران که دارای ناوگان قدیمی جت های جنگنده است، عملکرد نیروی هوایی روسیه در اوکراین درس های مهمی را ارائه می دهد.

سال ها، بحث هایی در داخل تشکیلات دفاعی ایران درباره سرمایه گذاری در نیروی هوایی یا برنامه موشکی این کشور وجود داشت. ایده احیای نیروی هوایی ایران با خرید جت های ساخت روسیه همچنان پابرجاست. عملکرد ضعیف روسیه ممکن است تردیدهایی را در مورد ارزش نیروی هوایی در اصول نظامی ایران و نحوه مبارزه این کشور در جنگ های آینده ایجاد کند.

<https://cutt.ly/KG0n6au>



همزیستی در غرب آسیا دوام نخواهد آورد

بازنشانی‌های دیپلماتیک و همکاری‌های در حال انجام صرفاً رقابت است. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هفته گذشته به عربستان سفر کرد. در اواخر ماه آوریل، مقامات ارشد امنیتی عربستان و ایران برای پنجمین دور مذاکرات عادی‌سازی، ملاقات کرده‌اند. در ماه مارس، رئیس‌جمهور اسرائیل، از ترکیه دیدن کرد که اولین سفر یک مقام ارشد اسرائیلی به این کشور در ۱۴ سال گذشته بود. در همان ماه، بشار اسد در نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ دبی شرکت کرد و با رهبران اماراتی دیدار کرد. اردوغان در ماه فوریه از امارات بازدید کرد و در طول زمستان، اماراتی‌ها و ایرانی‌ها توسط هیئت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری با هم مبادله کردند.

تمام این فعالیت‌های دیپلماتیک نشانه‌های خاصی از واشنگتن در مورد «کاهش تنش» و «همسویی مجدد» منطقه‌ای است. این یک نکته برای حامیان خروج آمریکا از غرب آسیا است، منطق این است که اگر بازیگران منطقه‌ای مسئولانه رفتار کنند و اختلافات خود را حل کنند، آمریکا می‌تواند خروج کند و تنها در صورت بروز بحران به این منطقه بازگردد.

این عالی به نظر می‌رسد، اما من آن را قبول ندارم. این‌ها منطقی هستند. چیزی که من قبول ندارم این است که این هجوم دیپلماسی اخیر نویددهنده عصر جدیدی از صلح، عشق و تفاهم در غرب آسیا است.

مقامات آنکارا استدلال می‌کنند که اگر با دولت اسرائیل کنار بیایند، فشار بر آن‌ها در واشنگتن کاهش خواهد یافت. به نظر می‌رسد ترک‌ها بر این باورند که اگر اردوغان از هم‌تای اسرائیلی خود استقبال کند، سازمان‌های طرفدار اسرائیل و یهودی در آمریکا از طرف آن‌ها دفاع خواهند کرد.

رهبران منطقه که ثابت کردند نمی‌توانند اراده خود را با زور بر مخالفان خود تحمیل کنند، اکنون روش دیگری را امتحان می‌کنند. برای مثال، اماراتی‌ها به سختی عاشق اردوغان شده‌اند.

این سفر نشان می‌دهد که سعودی‌ها، مانند اماراتی‌ها، به خوبی از ناامیدی اردوغان نسبت به اقتصاد شکست‌خورده آگاه هستند. اسرائیلی‌ها نیز به نوبه خود با ترک‌ها محتاط هستند. آن‌ها به اردوغان اعتماد ندارند، اما به نظر می‌رسد که با هم بازی می‌کنند. برای مثال، واداشتن اردوغان به سرکوب تروریست‌های حماس که در خارج از ترکیه فعالیت می‌کنند، برای نفتالی بنت، یک پیروزی محسوب می‌شود. در عین حال، اسرائیلی‌ها حاضر نیستند به خاطر بهبود روابط با آنکارا، روابط قوی اقتصادی و امنیتی خود با یونان و جمهوری قبرس، دو دشمن دیرینه ترکیه را کنار بگذارند.

<https://cutt.ly/1G34Imk>



نشریه نشنال اینترست
احمد المیهونی
نوزدهم اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۱۸۴

آیا جنگ عربستان در یمن ضرورت دارد؟

روابط تاریخی عربستان با یمن میان ثبات و تنش در نوسان بوده است. توافق جدی که در روز ۱۲ ژوئن سال ۲۰۰۰ میلادی امضا شد، اختلافات ارضی میان پادشاهی عربستان و جمهوری یمن را حل کرد و در آن بر تعهد دو طرف به پیمان طائف تأکید شد که مرزهای دو کشور را تعیین کرده است.

یمن که از منابع طبیعی بی بهره است، برای اداره امور خود به حمایت‌های سعودی‌ها وابسته بوده و در مقابل، عربستان هم به نیروی کار یمن وابسته است به همین علت، دو کشور روابطی دوجانبه برقرار کرده‌اند که به نفع طرفین است.

در این گزارش ادعایی، اقدامات ضدحکومتی انصارالله از سال ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۱ که همزمان با تحولات به اصطلاح بهار عربی بود، عامل بروز جنگ معرفی شده است. این جنگ‌ها شورای همکاری خلیج فارس را وادار کردند که ابتکاری را برای میانجیگری میان گروه‌های درگیر در یمن با هدف مقابله با تنش‌های روزافزون ارائه کند.

ابتکار و تلاش‌های شورای همکاری خلیج فارس از حمایت ۵ عضو دائم شورای امنیت و اتحادیه اروپا هم برخوردار بود. اما انتقال قدرت با مخالفت انصارالله یمن همراه بود.

سرزمین یمن به علت امنیت و ثبات شکننده و ضعیف، پناهگاهی امن برای القاعده محسوب می‌شود. آمریکا و عربستان با بهانه هدف قراردادن تروریست‌ها در خاک یمن با هم به تبادل اطلاعات می‌پردازند و اقدامات مشترکی را نیز انجام می‌دهند. اما انصارالله با تدابیر خود موفق شدند کنترل یکی از مهم‌ترین مراکز بازرسی مسیرهای آبی را در تنگه باب‌المنندب به دست بگیرند. طبق گزارش، با توجه به اینکه ایران نیز کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد، این وضع تأثیرات فاجعه‌باری بر تجارت و تامین انرژی جهانی برجای خواهد گذاشت.

<https://cutt.ly/UG5Q7ZV>



انتخابات پارلمانی لبنان در روز ۱۵ ماه می، بسیاری از نخبگان سیاسی را که کشور را به سمت یک بحران اقتصادی ویرانگر سوق داده‌اند، در قدرت نگه می‌دارد، که نتیجه‌ای ناامیدکننده برای مخالفان داخلی و بازیگران خارجی است.

رای‌گیری در پارلمان جدید ممکن است نقطه عطفی به سوی تغییری باشد که برای باز کردن کمک‌های خارجی قابل توجه و در نتیجه جلوگیری از سقوط کشور به سمت بحران عمیق‌تر لازم است. اما پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که آن‌ها فقط تغییرات بسیار متوسطی را به همراه خواهند داشت. انتظار می‌رود احزاب شیعه حزب‌الله و امل سهم خود را از نمایندگان مجلس حفظ کنند، در حالی که انتظار می‌رود متحد مسیحی آن‌ها جنبش میهنی آزاد (FPM) شکست بخورد. از سوی دیگر، بایکوت انتخاباتی بازیگر اصلی سیاسی سنی، نخست‌وزیر سابق، سعد حریری، ممکن است به تعداد بیشتری از نامزدهای سنی متمایل به حزب‌الله نسبت به انتخابات گذشته اجازه موفقیت دهد. این که آیا چنین تعداد فزاینده‌ای از نمایندگان سنی طرفدار حزب‌الله می‌تواند خسارات حزب‌الله را جبران کند یا خیر، تصمیم خواهد گرفت که آیا ائتلاف حزب‌الله-امل-جنبش میهنی آزاد، بتواند اکثریت خود را حفظ کند یا خیر. عقب‌نشینی حریری به نوبه خود، اردوگاه ضد حزب‌الله را از یکی از ستون‌های اصلی آن محروم کرده و آن را تکه تکه خواهد کرد.

لبنانی‌ها بدون دسترسی به دلار آمریکا حتی فقیرتر خواهند شد. شاید نگران‌کننده‌ترین جنبه فرسایش بخش امنیتی باشد. ارتش با داشتن یک مأموریت در حال گسترش که شامل نظارت بر اعتراضات پلیس و کنترل درگیری‌های فرقه‌ای می‌شود، به طرز غم‌انگیزی تحت فشار قرار گرفته است.

شاید مهم‌ترین درس پروژه شکست‌خورده دولت‌سازی در دهه ۱۹۹۰ این باشد که نه بازیگران لبنانی و نه بازیگران خارجی نباید فریب روایت‌های تغییر همه‌جانبه را بخورند.

در نهایت، تا زمانی که لبنان صحنه رقابت بین ایران و اسرائیل، متحدان عرب و آمریکا باقی بماند، ممکن است جایی برای سازش‌های عملی داخلی نداشته باشد.

<https://cutt.ly/PHcjyLk>



حزب الله در آزمون انتخاباتی لبنان

چرا انتخابات برای حزب الله مهم است؟ حزب الله برای مشروعیت بخشیدن و حفاظت از فعالیت‌های غیررسمی خود به نظام سیاسی نیاز دارد. بدون حمایت نهادهای لبنانی، حزب الله به مراتب بیشتر در معرض خشم کارزار جهانی تحریم‌ها قرار خواهد گرفت که توسط آمریکا رهبری می‌شود. اجماع ملی حول فرمول «ارتش، مردم و مقاومت» حزب الله را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از دولت و جامعه لبنان به رسمیت می‌شناسد. جنبش مردمی به حزب الله رحم نکرد. اعتراضات حتی در مناطق مرتبط با آن در جنوب و بقاع برگزار شد. رأی‌دهندگان شیعه به خیابان‌ها آمدند تا آشکارا از حزب الله و دبیر کل آن، حسن نصرالله، به دلیل کم‌کاری در مقابله با وخامت شرایط زندگی انتقاد کنند. با این حال، حزب الله در پاسخ به این نارضایتی‌ها سریع و مؤثر عمل کرد. زمانی که ارزش‌های خارجی در کشور به سختی یافت می‌شد، به پرداخت حقوق و مستمری عمدتاً به دلار ادامه داد. فعالیت‌های خیریه خود را گسترش داد. زمانی که کشور به دلیل کمبود سوخت فلج شده بود، از ایران گازوئیل وارد کرد.

تنش‌های بین‌المللی وارد کارزار انتخاباتی کنونی شده است. آمریکا و عربستان برای تغییر وضعیت موجود فشار می‌آورند که به معنای شکستن اکثریت پارلمان فعلی متشکل از حزب الله، حزب امل و «جنبش آزاد میهنی» مسیحی است. فراتر از این جملات، حزب الله در این انتخابات چالش‌های جدی دارد. اول اینکه، رقبای سنتی آن تهاجمی‌تر از همیشه هستند. حزب مسیحی نیروهای لبنان می‌خواهد حزب الله را از متحد سنتی خود سمیع ججعج دور کند و این امر بسیار مهمی است.

با این حال، فراتر از این سوال که چه اکثریتی از این انتخابات به دست خواهد آمد، چالش‌های ساختاری بسیار بزرگ‌تری وجود دارد که حزب الله دیر یا زود مجبور به مواجهه با آن‌ها خواهد شد. بعید است که انتخابات ۲۰۲۲ نوید ظهور نخبگان جدید پسا فرقه‌ای را دهد، اما می‌تواند گامی جدی در این راستا باشد. بنابراین، حزب الله بین یک نظام فرقه‌ای رو به زوال که هرگز به طور کامل از آن استقبال نکرده و برخی جایگزین‌های احتمالی که هنوز ظاهر نشده‌اند، گیر کرده است. اکنون سؤال واقعی حزب الله این است که چگونه از این برزخ عبور خواهد کرد.

<https://cutt.ly/0HvJPYF>



وبگاه هافینگتون پست
ناصر کریمی / جان کمبرل
چهارم اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۱۲۵

جنگ روسیه علیه اوکراین، یک نقطه عطف سیاسی برای ایران است

جنگ پوتین با اوکراین نشان داد که ایران در سال‌های اخیر چقدر به سمت مسکو متمایل شده است. ایران در طول انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، فریاد اعتراضی «نه شرقی نه غربی» را پذیرفت و هم آمریکا و هم اتحاد جماهیر شوروی را که در آن زمان در جنگ سرد محبوس شده بودند، رد کرد. این عبارت تا امروز بر درهای وزارت خارجه ایران آویخته است.

با این حال، جنگ روسیه علیه اوکراین نشان داد که تهران در سال‌های اخیر تا چه حد به سمت مسکو متمایل شده است، زیرا فروپاشی توافق هسته‌ای این کشور با قدرت‌های جهانی خشم دهه‌ها و سخت‌گیرانه آمریکا را برانگیخت. اعضای شبهه‌ناک سپاه پاسداران ایران با سامانه‌ها و هواپیماهای موشکی زمین به هوای روسیه تمرین می‌کنند. ابراهیم رئیسی در یکی از اولین سفرهای خارجی خود به دیدار ولادیمیر پوتین رفت. این جنگ، همچنین شکاف عمیق‌تری را حتی در سیاست داخلی ایران آشکار می‌کند. در میان مردم عادی ایران، همدردی زیادی با اوکراین وجود دارد.

بخشی از خشم دولت ایران از اوکراین احتمالاً ناشی از عواقب سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط سپاه در سال ۲۰۲۰ است که منجر به کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن شد.

[آیت‌الله] خامنه‌ای، که حرف آخر را در تمام مسائل کشور می‌زند، گفت که ملتش با «جنگ و ویرانی» مخالف است و در عین حال آمریکا را مسئول این درگیری می‌داند.

اما دیگران از درون حکومت دینی شیعی ایران نگرانی‌هایی را در مورد موضع تهران در قبال جنگ مطرح کرده‌اند.

روسیه در جنگ جهانی دوم در کنار بریتانیا به ایران حمله کرد تا در جنگ خود علیه آلمان راه‌های نفت و تجارت را تضمین کند.

تقاضای ناگهانی روسیه برای ضمانت‌های لغو تحریم‌ها، مذاکرات در وین بر سر توافق هسته‌ای ایران را به هم ریخت. به نظر می‌رسد تقاضای روسیه برای این توافق کاهش یافته است، در حالی که اکنون به نظر می‌رسد تحریم‌های آمریکا علیه سپاه همچنان آخرین مانع آن است. ایرانی‌ها متوجه قمار روسیه شده‌اند.

<https://cutt.ly/MF91f7e>



تلاش غرب برای ادامه یافتن درگیری اوکراین با روسیه

جنگ روسیه علیه اوکراین ادامه دارد. غرب به حمایت از کی‌یف ادامه می‌دهد، اما به نظر می‌رسد این کار برای صلح نیست. زیرا صلح، شکست آشکار در حمایت از آن‌چه مردم اوکراین به آن نیاز دارند، است. بدیهی است که دفع حمله روسیه، بهترین نتیجه برای اوکراین خواهد بود. با این حال، این غیرممکن است. مسکو قلمرو قابل توجهی در شرق در اختیار دارد.

به نظر می‌رسد مقامات واشنگتن در تلاشند رهبران اوکراین را از در نظر گرفتن مصالحه منصرف کنند. آن‌ها سلاح‌های فراوانی را به کی‌یف پیشنهاد داده‌اند و تحریم‌های طاقت‌فرسایی را علیه مسکو اعمال کرده‌اند که همگی در خدمت نگه داشتن اوکراین در جنگ است.

نکته کلیدی این است که اصولی وجود دارند که در خطر بوده و در همه‌جا، چه در اروپا، چه در اقیانوس آرام، چه در هر نقطه‌ای از قابل اجرا هستند. این‌ها اصلی است که پوتین به دنبال نقض و نادیده گرفتن آن‌ها بوده است و شرکای اوکراینی با حمایت جامعه بین‌المللی سعی در دفاع از آن‌ها داشته‌اند. این پایه‌ای است که هر کشوری حق حاکمیتی برای تعیین سیاست خارجی خود را دارد.

این اوکراین است که در جنگ ویران شده است. مردم اوکراین هستند که بیشتر از همه به توقف درگیری‌های جاری و یک ثبات دائمی و پایدار نیاز دارند. این موضوع به بهترین وجه با توافقی حاصل می‌شود که علل درگیری و به‌ویژه نگرانی‌های امنیتی روسیه را مورد توجه قرار داده و به آن‌ها رسیدگی کند. غرب به طور عمدی و بی‌پروا منافع روسیه و تهدیدهای متعاقب آن را نادیده گرفت و بهای آن را بر عهده اوکراینی‌ها گذاشت.

دولت روسیه مسئولیت کامل حمله به اوکراین را بر عهده دارد. با این حال، دولت‌های غربی در ایجاد این درگیری مقصر هستند. آن‌ها با تکبر و خودپسندی، مصمم بودند که مسکو را نادیده بگیرند. به همین علت است که جهان اکنون بهای گزافی را پرداخت می‌کند.

<https://cutt.ly/rF5xCe0>



وبگاه نایبترین فورتنی فایو
 راپرت کلی
 ششم اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۲۷۷

اوکراین به جنگ نیابتی خطرناک بین روسیه و غرب تبدیل می شود

قرار بود تهاجم روسیه به اوکراین، یک حمله برق آسا باشد، به طوری که دولت روسیه در آن جا مستقر شود. اوکراینی ها که از دولت فاسد خود بدبین و دلسرد شده اند، این تغییر سریع را می پذیرفتند. پس از آن، روسیه می تواند به سرعت نیروهای خود را خارج کند. این درگیری در واقع یک «عملیات نظامی ویژه» خواهد بود. ولی پوتین، مشروعیت دولت زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین و احساس هویت ملی این کشور را دست کم گرفت.

تقریباً بلافاصله، زلنسکی درخواست کمک از غرب را آغاز و عملاً درگیری را به یک جنگ نیابتی بین غرب و روسیه تبدیل کرد. او از اوکراین در برابر تهاجم گسترده روسیه دفاع کرد.

در آستانه جنگ، پوتین لفاظی هایی داشت. او نه تنها به استقلال اوکراین، بلکه به گسترش ناتو و حوزه نفوذ روسیه و توسعه دموکراسی های متمایل به غرب در سراسر این حوزه اعتراض داشت.

روسیه نمی تواند در جنگ نیابتی بلندمدت یا حتی میان مدت با غرب پیروز شود. این نتیجه برای پوتین یک فاجعه است. روسیه از نظر تعداد نیرو برتری دارد، اما اوکراین دارای روحیه است و به زودی تجهیزات پیشرفته نیز در اختیار این کشور می گیرد. روسیه همچنین ظرفیت اقتصادی لازم برای رقابت با کل ظرفیت صنعتی غرب را ندارد. پوتین بخش زیادی از نوسازی دفاعی روسیه را در دهه گذشته صرف کرد تا اقتصاد خود را از اقتصاد جهانی جدا کند.

در سال ۱۹۷۹، شوروی به افغانستان حمله کرد. همانند درگیری کنونی اوکراین، مدافعان ابتدا متحمل خسارات شدند و دستاوردهایی برای شوروی حاصل شد، اما مقاومت در افغانستان ادامه داشت. نیروهای کمکی تحت حمایت آمریکا، اسلحه را از طریق سرزمین های مجاور مسلمانان به افغانستان قاچاق می کرد، درست همان چیزی که در اوکراین اتفاق می افتد.

گزینه های روسیه محدود است. این کشور نمی تواند نفوذ نظامی به غرب اوکراین داشته باشد تا جریان تدارکات را قطع کند. بهترین شانس روسیه این است که سریعاً یک پیروزی محدود به دست آورد، در غیر این صورت، این کشور در جنگ نیابتی مغلوب حریف ثروتمند و خلاق خواهد شد.

<https://cutt.ly/tGhtzIA>



نشریه نشنال اینترست
آرژون کریشنز
دهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ شماره ۱۲۹

آیا روسیه در جنگ سایبری با اوکراین شکست خورده است؟

جنگ پوتین در اوکراین طبق برنامه پیش نرفت. از آنجایی که تحریمها در اقتصاد روسیه رخنه کرده‌اند و تلفات میدان نبرد همچنان در حال انباشته شدن است، رهبر روسیه با دردسر دیگری مواجه شده است، دردسری که همین ماهها پیش بی‌معنی به نظر می‌رسید.

از زمان آغاز تهاجم در ۲۴ فوریه، روسیه هدف حملات سایبری قرار گرفته است. در حالی که دولت روسیه و شهروندان آن با جرایم سایبری و جاسوسی غریبه نیستند، افزایش شدید هکها از زمان آغاز حمله نیروهای مسلح روسی به اوکراین بی‌سابقه است.

اطلاعات اوکراین بخش‌هایی از داده‌ها را منتشر کرده که حاوی اسامی، تاریخ تولد، شماره پاسپورت و عناوین شغلی سربازان روسی است که در بوچا مستقر بودند. اگرچه کارشناسان خاطر نشان می‌کنند که این داده‌ها تازه نیستند، اما در عوض از نشتهای قبلی سازمان‌دهی شده‌اند. انتشار عمومی این نقاط داده‌های شخصی در عاملان روسی امکان ایجاد طیف گسترده‌تری از مشکلات احتمالی را برای افراد در لیست فراهم می‌کند.

گذشته از هدف قرار دادن افراد نظامی، هکهای ضد کرملین ایستگاه‌های تلویزیون دولتی، شرکت‌های خدمات عمومی و حتی شهروندان خصوصی را هدف قرار داده‌اند.

برای دولتی که توجه چندانی به تخطی از اصول اخلاقی مخالفان خود نشان نداده، افشای ایمیل‌ها و اسناد داخلی ممکن است در نهایت چندان مهم نباشد. با این حال، تمام این داده‌های خروجی از روسیه تجزیه و تحلیل نشده است و احتمالاً ماه‌ها طول می‌کشد تا تحلیل‌گران روسی‌زبان آن‌ها را بررسی کنند.

هکهای دولتی روسیه تلاش کرده‌اند تا این شکست‌ها را با موفقیت متوسط تلافی کنند. گروه‌هایی مانند گاماردون انواع بدافزارهای جدیدی را در اوکراین ساخته و مستقر کرده‌اند.

<https://cutt.ly/nGYkJfK>



وبگاه ناینتین فورثی فایو
رابرت کلی
دوازدهم اردیبهشت ۱۴۰۱، شماره ۱۱۵

روسیه فعلاً جنگ اوکراین را باخته است

روسیه از قبل جنگ را باخته است، حتی اگر در دونباس پیروز شود. جنگ اوکراین ادامه دارد. به نظر می‌رسد احتمال وقوع برخوردهای بزرگ‌تر در این منطقه وجود دارد. تلفات اوکراینی‌ها احتمالاً بیشتر از قبل است. زمین دونباس به نفع روس‌هاست.

حتی اگر روسیه راه خود را به سمت دستاوردهای محدود در شرق پیش ببرد، آن قدر به این کشور خسارت وارد شده که برای قدرت ملی روس‌ها یک فاجعه است. برخی از کارشناسان فکر می‌کنند که اوکراین ممکن است به طور کامل در جنگ پیروز شود. اما حتی اگر بخش‌هایی از شرق و جنوب فتح‌شده را در اختیار داشته باشد، هزینه‌های جنگ بسیار بیشتر از این حرف‌هاست.

ظاهراً گسترش ناتو عامل اصلی حمله پوتین بود. البته این استدلالی است که روسیه مطرح می‌کند. در واقع، این احتمال وجود دارد که اوکراین به‌عنوان بخشی از یک توافق صلح، از رؤیای عضویت در ناتو چشم‌پوشی کند. اما به نظر می‌رسد سوئد و فنلاند درخواست عضویت دهند و مطمئناً پذیرفته خواهند شد.

هرگونه توافق صلح به طور رسمی روابط روسیه با جهان را احیا خواهد کرد و منجر به لغو تحریم‌ها خواهد شد. اما صرفاً به دلیل لغو شدن محدودیت‌های رسمی، روابط دیپلماتیک و اقتصادی عادی با روسیه تقریباً تا زمانی که پوتین از بین نرود، باز نخواهد گشت و این کشور به شدت منزوی خواهد شد.

پس از چندین دهه جنگ سرد، ناتو سازمانی بود که در تلاش برای انجام مأموریت بود. پس از ۱۱ سپتامبر، عملیاتی را انجام داد که آشکارتر از همه در افغانستان بود. این عملیات‌ها هرگز دستاوردی نداشت. همه افرادی که در جنگ حضور داشتند، بسیار خوشحال بودند که سال گذشته افغانستان را ترک کردند. ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه گفت: «ناتو دچار مرگ مغزی شده است.»

تجاوز روسیه به همه این بحث‌ها پایان داده است. اکنون این احتمال وجود دارد که کاخ سفید نیروهای بیشتری را در اروپای شرقی مستقر کند. بهای همه این شکست‌ها بیشتر از هر چیزی است که پوتین با فتح در دونباس به دست آورد.

<https://cutt.ly/cGAvRgM>



مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک (CSIS)
آندرو لوهسن / سایروس نیولین
نوزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ شماره ۱۸۴

چشم‌انداز سیاسی روسیه

بر اساس تحقیقات اولیه و کارگاه‌های آموزشی شامل کارشناسان آمریکایی، نروژی و اروپایی، سه سناریو بالقوه برای توسعه آینده روسیه شناسایی شده است. سناریوی اول مسیری از تداوم را متصور بود که در آن رهبران روسیه برای حفظ وضعیت موجود تلاش کردند. سناریوی دوم روند کاهش ریسک در تصمیم‌گیری کرملین را پیش‌بینی می‌کرد که به عادی‌سازی نسبی روابط با غرب منجر شد. سناریوی سوم آینده‌ای تاریک‌تر را در نظر می‌گیرد، که در آن رهبران روسیه درجه بالاتری از خطر را برای مدیریت مشکلات فزاینده در داخل و خارج از کشور می‌پذیرند که منجر به رویارویی پایدار با غرب و جدایی بیشتر دولت روسیه از مردمش می‌شود.

رویارویی با غرب ادامه دارد، اما از درگیری آشکار اجتناب می‌شود. سیاست خارجی روسیه بر اساس مفهوم «اوراسیای بزرگ» و شراکت در وضعیت موجود با مجموعه‌ای از قدرت‌های اوراسیا هدایت می‌شود. ناآرامی اجتماعی رشد می‌کند، اما با زور مهار می‌شود.

در همین حال، تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی بر چشم‌انداز اقتصادی و سیاست داخلی روسیه آشکارتر می‌شود. امتناع آمریکا و ناتو از ارائه «ضمانت‌های امنیتی»، روسیه را وادار می‌کند تا با انجام حملات سایبری گسترده و تشدید حمایت از نیروهای جدایی‌طلب در دونباس، اوضاع در اوکراین را تشدید کند.

روابط روسیه با چین عمیق‌تر، اما ناهموارتر می‌شود. سهم چین از تجارت خارجی روسیه همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد. روسیه خود را مسلح می‌کند تا در دنیای پرتعدادتری که در رقابت آشکار با غرب است، عمل کند. مذاکرات کنترل تسلیحات بین آمریکا و روسیه در اوج تنش‌ها بر سر اوکراین متوقف می‌شود.

روسیه در ازای کاهش تحریم‌ها و تضمین عدم استقرار سیستم‌های تسلیحاتی تهاجمی، محدودیت در رزمایش‌های ناتو و استقرار نیروهای خارجی در اوکراین، اقداماتی را برای کاهش تدریجی بن‌بست اوکراین و غرب اتخاذ می‌کند.

<https://cutt.ly/mG71PBt>



نشریه فارین افرز
مارگاریتا کوناائف / پولینا پلباگوا
بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ شماره ۱۸۷

آیا ارتش اوکراین می تواند به پیروزی ادامه دهد؟

در سال ۲۰۱۴، زمانی که نیروهای روسیه وارد شبه جزیره کریمه شدند، با مقاومت بسیار کمی روبرو شدند. ارتش اوکراین ضعیف، کم آموزش و فاسد بود. با فرض اینکه ارتش اوکراین جنگ زیادی انجام نمی دهد، روسیه یک حمله چند جانبه را انتخاب کرد که از مکان های متعددی در روسیه، بلاروس پیشروی می کرد. همانطور که پوتین کشف کرد، ارتش اوکراین در طول هشت سال گذشته، به لطف تلاش های فشرده برای سازمان دهی مجدد و اصلاحات و میلیاردها دلار کمک امنیتی غرب، دستخوش تحولی اساسی شده است. ارتش اوکراین نیز به لطف هجوم گسترده کمک های نظامی غرب، تجهیزات خود را به شدت ارتقا داده است. از سال ۲۰۱۴، آمریکا بیش از ۶,۱ میلیارد دلار کمک امنیتی به کی یف ارائه کرده است. علاوه بر سخت افزار، نیروهای اوکراینی از سال ها آموزش ناتو و آمریکا نیز بهره برده اند. ارتش اوکراین همچنین سیستم فرماندهی و کنترل پیچیده تری را اتخاذ کرده و یک لشکر افسران حرفه ای با الگوبرداری از آمریکا ایجاد کرده است. اوکراینی ها یک مزیت دیگر هم دارند: از آنجایی که برای ادامه استقلال کشورشان در حال جنگیدن هستند، انگیزه بالایی دارند و یکپارچه هستند. کرملین توانایی های ارتش اوکراین را به شدت دست کم گرفته بود. اما تمرکز جنگ اکنون به شرق اوکراین معطوف شده است. علیرغم انتظارات برعکس، ارتش اوکراین سقوط نکرده است و جنگ علیه روسیه به یک شورش تبدیل نشده است. در ماریوپول، نیروهای اوکراینی نتوانستند تهاجم روسیه را دفع کنند، اما با این وجود، از تاکتیک های دفاع شهری برای رد پیروزی روس ها استفاده کردند. برای پیروزی در دونباس، اوکراینی ها احتمالاً باید به یک مبارزه معمولی تر در زمین باز روی آورند، جایی که ممکن است آسیب پذیرتر باشند. اعداد همچنین برای طرف اوکراینی مهم است. یک نیروی کوچک، مجهز و با انگیزه بالا می تواند از یک شهر در برابر یک نیروی تهاجمی بسیار بزرگتر دفاع کند و حتی پیروز شود. جنگ در دونباس در حال شکل گیری است تا یک جنگ عمدتاً متعارف باشد. اگرچه این محیط عملیاتی جدید در شرق، روسیه و اوکراین را مجبور می کند تا استراتژی های خود را تنظیم کنند، اما برابری قدرت، در این مورد، به نفع یک پیروزی سریع نیست. جنگ در دونباس احتمالاً وحشیانه خواهد بود، اما سریع نخواهد بود و ممکن است تعیین کننده نباشد.

<https://cutt.ly/2HhFuGr>



چرا ترکیه مخالف پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو است؟

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه مانعی در برابر آرزوهای فنلاند و سوئد در ناتو مطرح کرده و گفته است که از پیوستن آن‌ها به این پیمان که مستلزم توافق متفق‌القول بین همه اعضای آن است، حمایت نخواهد کرد. یک روز پس از آنکه هلسینکی اعلام کرد قصد دارد به بلوک امنیتی بیوندد که آنکارا ۷۰ سال است عضو آن بوده است، اردوغان روز جمعه گفت: «ما دیدگاه مثبتی درباره عضویت پیشنهادی فنلاند و سوئد نداریم.» به گزارش رویترز، او همچنین گفت که کشورهای شمال اروپا مهمان‌سرای برای سازمان‌های تروریستی هستند. او گفت: «امکان ندارد که ما موافق این مسئله باشیم.» اردوغان به خبرنگاران در استانبول گفت که پذیرفتن یونان به عنوان عضو ناتو در سال ۱۹۵۲، سال پیوستن ترکیه به این سازمان، اشتباه بود و ما نمی‌خواهیم اشتباهات مشابه را تکرار کنیم. ترکیه مدت‌هاست که کشورهای شمال اروپا به ویژه سوئد را به پناه‌دادن به گروه‌های کرد افراطی و حامیان فتح‌الله گولن متهم می‌کند.

تجاوز روسیه به اوکراین اذهان سوئد و فنلاند را بر عضویت در ناتو متمرکز کرده است. در حالی که آن‌ها شرکای نزدیک با این ائتلاف هستند و در رزمایش‌های ناتو شرکت می‌کنند، کشورهای شمال اروپا نمی‌توانند از بند دفاع دسته‌جمعی آن سود ببرند.

روز پنجشنبه، رئیس‌جمهور فنلاند، ساولی نینیسو و نخست‌وزیر آن، سانا مارین گفتند هلسینکی باید بدون تاخیر برای عضویت در ناتو درخواست دهد. این اعلامیه مورد استقبال ینس استولتنبرگ، دبیرکل اتحادیه اروپا قرار گرفت و گفت: «فرایند الحاق این دو کشور، روان و سریع خواهد بود.»

با این حال، اظهارات اردوغان برای امید کشورهای شمال اروپا برای پیوستن به این ائتلاف مشکل ایجاد می‌کند. همه ۳۰ عضو ناتو باید به اتفاق آرا موافقت کنند که دعوت رسمی از یک کشور برای عضویت در این ائتلاف ارائه دهند. تصویب نهایی ممکن است در نشست سران ناتو در پایان ژوئن در صورتی که همه اعضا این تصمیم را تصویب کنند، انجام شود. آرون اشتاین، مدیر تحقیقات موسسه تحقیقات سیاست خارجی در تویتر نوشت: نخبگان امنیت ملی ترکیه، فنلاند و سوئد را با توجه به حضور پ‌ک‌ک و طرفداران گولن در این کشورها، نیمه متخاصم می‌دانند.

<https://cutt.ly/9HvoPM2>



وبگاه نایتین فورتی فایو
برنت ام ایستوود
پنجم اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۱۲۶

«اف ۳۵» می تواند موجب جنگ هسته‌ای شود

جنگنده تهاجمی مشترک «اف ۳۵» از نظر بسیاری به‌عنوان بهترین جنگنده روی کره زمین شناخته می‌شود. آیا می‌دانستید که جنگنده لایتنینگ ۲ اف ۳۵-آ دارای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای است؟ یک اف ۳۵ همچنین می‌تواند بمب‌های هسته‌ای پرتاب نماید و ما ویدیویی برای اثبات آن داریم.

بی ۱۲-۶۱، یک سلاح هسته‌ای کوچک و تاکتیکی در میدان نبرد است. قدرت واقعی آن طبقه‌بندی شده، اما اعتقاد بر این است که حداکثر بازدهی ۵۰ کیلو تن (۵۰ هزار تن تی ان تی) را دارد. در مقایسه، بمب هسته‌ای بی ۸۵ معادل هزار کیلو تن است. بازده بی ۱۲-۶۱ را می‌توان بسته به هدف میدان نبرد کاهش داد.

همچنین می‌توان از آن به‌عنوان بمب‌های متلاشی‌کننده سنگرهای نفوذگر در زمین استفاده کرد. این امر می‌تواند آن را در سناریوی حمله دوم که در آن سیلوهای موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای دشمن مورد هدف قرار می‌گیرند، ارزشمند سازد. این سلاح آسیب جانبی کمتری خواهد داشت و تعداد غیرنظامیان کشته‌شده را به حداقل می‌رساند.

بروزرسانی بی ۱۲-۶۱ در خانواده تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی بی ۶۱ گران بوده است. قیمت ارتقاء ۴۰۰ دستگاه آن، ۷٫۶ میلیارد دلار خواهد بود.

بمب‌افکن‌های بی ۲ و بی ۲۱ با سرعت مافوق صوت پرواز می‌کنند، بنابراین، اف ۳۵-آ با این بمب هسته‌ای تاکتیکی دارای قابلیت منحصر به فردی است.

اف ۳۵-آ با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای، یک پیشرفت مهم برای آمریکاست. یک گزینه تحویل سریع و پنهان وجود دارد که می‌تواند سیلوهای موشکی دشمن یا بسیاری از اهداف دیگر را از بین ببرد. بازده بمب را می‌توان کاهش داد تا احتمال آسیب‌های جانبی غیرنظامی کم شود.

<https://cutt.ly/HGd7aM5>



چگونه ارمنستان در بحران ها به کمک روسیه می آید

در پی تهاجم روسیه به اوکراین، تلاش های متعددی در غرب برای مهار و منزوی کردن کرملین از نظر سیاسی و اقتصادی صورت گرفته است. جدا از عرضه تسلیحاتی و پولی و همچنین کمک های بشردوستانه به اوکراین، کشورهای گروه هفت، اتحادیه اروپا و تعداد زیادی از شرکت های چند ملیتی به طور فعال اقتصاد روسیه را با تحریم صنایع کلیدی، بخش بانکی و غیره تحت فشار قرار می دهند. روسیه به دنبال دسترسی به بازارهای خارجی است تا از رکود اقتصادی گسترده جلوگیری کند و تا حدودی خسارت اقتصادی ناشی از غرب را جبران کند.

سیاست خارجی ارمنستان تا حد زیادی مبتنی بر روابط بین پارلمانی و بین اجتماعی با روسیه است. روسیه و ارمنستان به عنوان شرکای اتحاد در سازمان پیمان امنیت جمعی و همچنین اعضای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ارتباطات خود در چارچوب این سازمان ها ادامه می دهند. در شرایط کنونی، ارمنستان همچنان به توافقات دوجانبه با مسکو متعهد است و نه تنها همسویی نظامی با مسکو نشان می دهد، بلکه به این کشور کمک می کند تا از تحریم های غرب برای کاهش رکود اقتصادی اجتناب کند.

ارمنستان خود را به عنوان یک کشور وفادار به روسیه از نظر شراکت استراتژیک و اقتصادی در قلمرو قفقاز جنوبی می داند.

با این وجود، سیاست رسمی ایروان به جای اتخاذ یک موضع بی طرف، به حمایت نظامی، مالی و دیپلماتیک از تهاجم ادامه می دهد. بر اساس اطلاعات ترکیه، ارمنستان چهار جنگنده سوخو ۳۰ را با خدمه به روسیه تحویل داد که احتمالاً در جبهه جنگ مستقر خواهند شد.

ارمنستان با رای دادن به قطعنامه هایی که تهاجم روسیه را محکوم می کند، فعالانه منافع روسیه را در صحنه سیاسی بین المللی مطرح می کند. ارمنستان تنها کشور عضو شورای اروپا بود که به تعلیق روسیه از این سازمان رای منفی داد. در دهه های گذشته، روسیه در قفقاز جنوبی نه تنها به عنوان ضامن امنیت ملی ارمنستان بلکه به عنوان بزرگترین شریک اقتصادی آن عمل کرده است.

ارمنستان، انزوای کنونی تجارت روسیه را فرصتی برای احیای سرمایه گذاری خود با جذب شرکت ها و کارآفرینان روسی می داند.

<https://cutt.ly/1Gxk9NB>



روزنامه جروزالم پست
دهم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ شماره ۲۹۶

حمله هکرهاى مرتبط با ایران به فرستنده رادیویى اسرائیل

به گزارش جروزالم پست، در ویدئویی که جایگزین صفحه پخش زنده یک فرستنده رادیویی اسرائیل شده است، به جای آرم پخش زنده نوشته شده بود که این وبسایت «هک شده» و در پی آن چند آرم و نشان اسرائیل نشان داده می‌شود. سپس صدای آژیر شنیده می‌شود و به دنبال آن صداهایی به زبان عربی و تصاویری از مسجدالاقصی و شلیک یک موشک را می‌شد دید.

این عملیات هک عصر پنجشنبه ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) صورت گرفته است.

این رسانه می‌نویسد، به نظر می‌رسد گروه «هکرهاى رهایی‌بخش» عامل این حمله سایبری بوده باشد. این گروه در ماه می ۲۰۲۰ وبسایت جروزالم پست و صدها وبسایت دیگر را مورد حملات هکری خود قرار داده بود.

این گروه هکری در این حملات یک ویدئوی ضداسرائیلی و پیام به زبان عبری و انگلیسی ناقص جایگزین وبسایت‌ها کرده بود. در این پیام گفته می‌شد: «شمارش معکوس نابودی اسرائیل مدت‌هاست که آغاز شده است».

جروزالم پست می‌نویسد، از قرار معلوم یک کانال تلگرامی که مرتبط با این گروه هکری است، شامگاه پنجشنبه ۲۸ آوریل در پیامی نوشته است: «آیا الان صدای ما را می‌شنوید، از قدس مقدس، پایتخت فلسطینی‌ها، بر روی فرستنده‌های رادیویی...» این پیام تلگرامی سپس ویدئویی را که در وبسایت پخش زنده منتشر کرده بوده، بازنشر کرده است.

<https://cutt.ly/JGUpmX4>



روزنامه آینده‌پندنت
ولید قاریس
دوازدهم اردیبهشت ۱۴۰۱، شماره ۱۸۱۵

آیا چین به اقیانوس آرام ورود می‌کند؟

انعقاد توافق نامه همکاری میان چین و جزایر سلیمان، به چین اجازه می‌دهد در این کشور کوچک، حضور امنیتی و راهبردی داشته باشد.

در حالی که همگان به تحرکات نظامی روسیه در شرق و جنوب اوکراین چشم دوخته‌اند و مسکو برای کنترل مناطق ساحلی بین ماریوپل و کریمه در تلاش است و با پیشروی زمینی در شرق به منظور تصرف استان‌های لوهانسک و دونتسک، قصد دارد نبرد را به نفع خود خاتمه دهد، برخی از ناظران در کشورهای اروپایی و آمریکا توجه خود را به تحرکات چین که متحد روسیه و دومین ابرقدرت جهان محسوب می‌شود، معطوف کرده‌اند؛ به ویژه که چین سیاست حرکت به سمت اقیانوس آرام را آغاز کرده است.

با گسترش قدرت و افزایش توانایی‌های نظامی چین و اوج‌گیری رقابت بین قدرت‌های بزرگ، پکن در سال‌های اخیر کوشیده است برنامه‌ها و طرح‌های جدیدی اجرا کند که حاکی از تمایل آن به گسترش تدریجی نفوذ به سمت اقیانوس آرام است.

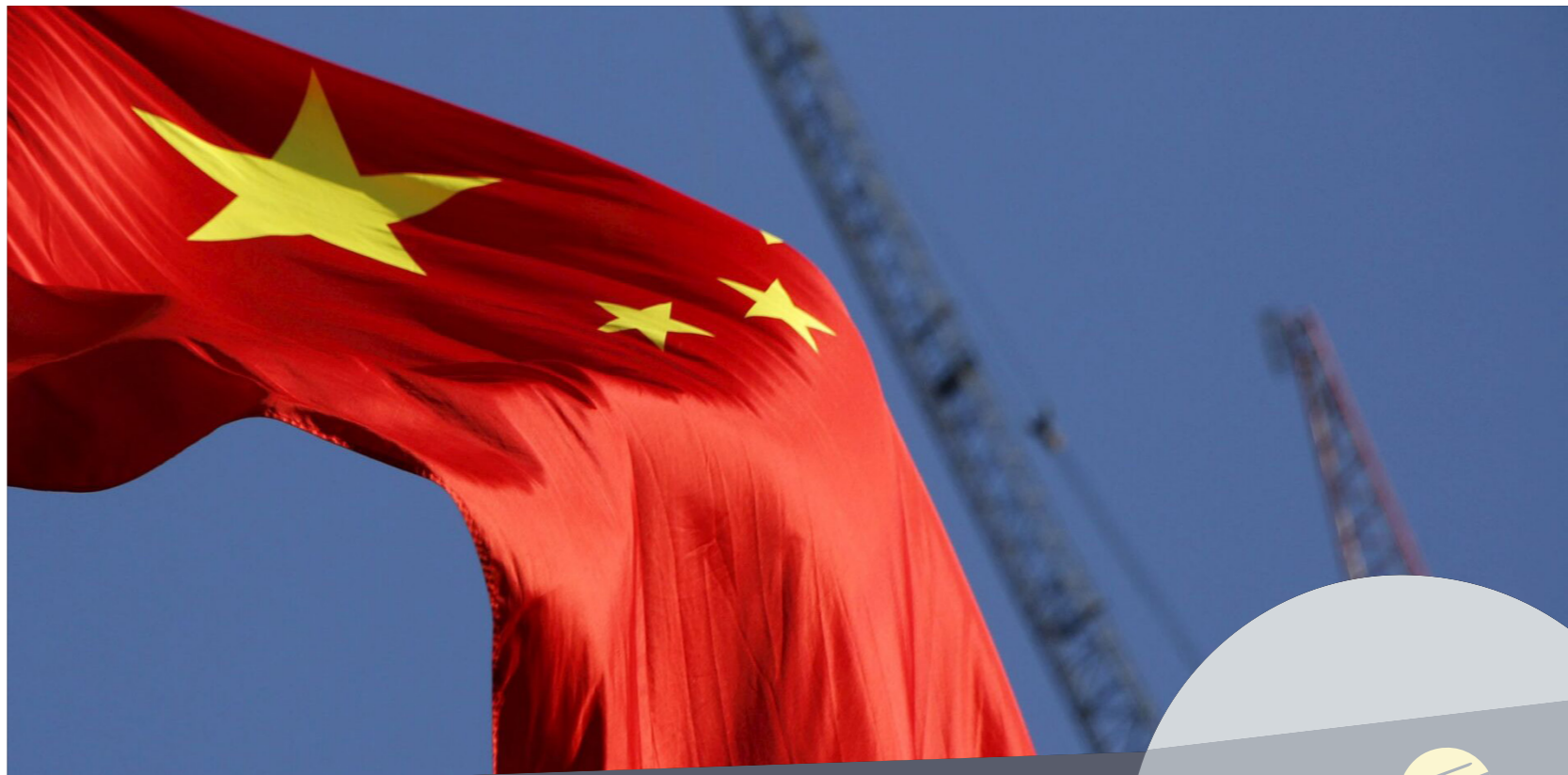
از زمان تاسیس «جمهوری خلق چین» در سال ۱۹۴۹ تاکنون، «بازپس‌گیری تایوان» هدف تاریخی و همیشگی پکن بوده است. تایوان کشوری است که از دولت کمونیستی «چین بزرگ» جدا شد و پکن آن را «تجزیه‌طلب» می‌خواند، اما با تضمین‌های آمریکا به تایوان، راه‌حل نظامی در برخورد با مسئله تایوان در طول چند دهه گذشته «گزینه» مطرحی نبوده است.

توافقنامه چین و جزایر سلیمان به این معنی است که در گام نخست، نیروی دریایی چین دارای تاسیسات و پایگاه‌های دریایی در جزایر سلیمان خواهد شد. در چارچوب این توافق‌نامه، چین حق اعزام نیرو برای آموزش، نصب رادارها و در صورت لزوم، انتقال سامانه‌های موشکی در جزایر سلیمان خواهد داشت و در نتیجه، نیروهای چینی همواره به تردد خود در مسیر دریایی نظامی بین جزایر سلیمان و سواحل چین ادامه خواهند داد.

البته توافق امنیتی چین و جزایر سلیمان از لحاظ توازن راهبردی می‌تواند تحول بی‌سابقه‌ای در این پهنه جغرافیایی برای آمریکا و متحدان آن باشد، زیرا در این صورت، فاصله بین حضور نظامی چین و استرالیا و نیز فاصله با نیوزیلند بسیار کاهش خواهد یافت و معادله کنونی به شدت تغییر خواهد کرد.

واشنگتن چندی پیش، استقرار برخی از واحدهای نظامی خود را در استرالیا آغاز کرد، و چند ماه قبل هم اقدام به تشکیل ائتلاف چهارجانبه‌ای با استرالیا، نیوزیلند، و بریتانیا کرد.

<https://cutt.ly/bGPDBIy>



روابط عربستان و پاکستان، ترس هسته‌ای را احیا می‌کند

بن‌بست در مذاکرات هسته‌ای ایران ممکن است ریاض را با حمایت پاکستان به اقدام در گسترش توان هسته‌ای‌اش برانگیزد. در تاریخ ۲۸ آوریل، شه‌باز شریف، نخست‌وزیر جدید پاکستان، سفر سه روزه خود به عربستان را آغاز می‌کند. این اولین سفر خارجی او پس از جانشین شدن به جای عمران خان است، که پیشتر در ماه جاری با رای عدم اعتماد از سمت خود برکنار شد. بخشی از سفر شریف به عربستان به هدف زیارت است اما، در عین حال، این سفر دربرگیرنده ملاقات‌های سطح بالا نیز خواهد بود.

این ملاقات‌ها فرصتی برای ترمیم مناسبات عربستان و پاکستان است که تحت رهبری دمدمی عمران خان، که در سال ۲۰۱۸ به نخست‌وزیری رسید، تیره و تار شده بود. بخشی از این وضع، نتیجه رو کردن عمران خان به کشورهای چپ‌مالزی، ایران، و ترکیه بود. این تلاش‌ها زمانی متوقف شد که ریاض صراحتاً اعلام کرد چنین رویکردی حمایت مالی عربستان را به خطر می‌اندازد. تیره شدن روابط دو کشور، در عین حال، بازتاب روابط تجاری و دیپلماتیک فزاینده ریاض با هند، دشمن تاریخی و رقیب هسته‌ای پاکستان، نیز بود.

این هفته توجه ویژه‌ای به اظهارات محمد بن سلمان در سال ۲۰۱۸ در تلویزیون آمریکا معطوف شد که گفته بود: «اگر ایران بمب اتمی تولید کند، ما در اسرع وقت پا جای پای آن خواهیم گذاشت.» در شرایطی که به نظر می‌رسد مذاکرات برای بازگشت به برجام به بن‌بست رسیده و گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که ایران ظرف مدت دو هفته می‌تواند به زمان تسلیح هسته‌ای برسد، جای تعجب خواهد بود اگر احتمال همکاری هسته‌ای در مذاکرات دوجانبه عربستان-پاکستان مطرح نشود.

در گذشته، بحث کمک هسته‌ای پاکستان به سعودی‌ها بر استقرار احتمالی موشک‌های دارای کلاهک هسته‌ای در عربستان متمرکز بود. اما کارشناسان امروز بر این باورند که پاکستان ممکن است با استفاده از شبکه عبدالقدیر خان، دانشمند هسته‌ای فقید این کشور، فراهم ساختن فناوری غنی‌سازی را انجام داده باشد.

دسترسی به فناوری هسته‌ای غیرنظامی، پیش از این یکی از خواسته‌های ریاض از دولت بایدن بوده است. با توجه به تنش میان رهبری عربستان و آمریکا، هرگونه عملیات هسته‌ای نظامی میان سعودی‌ها و پاکستان در آینده احتمالاً باعث بروز یک بحران جدید خواهد شد.

<https://cutt.ly/7G2Xjkj>



نشریه دیپلمات
مهری ای کوئو
بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ شماره ۱۸۹

چگونه چین تدارکات ارتش روسیه را تامین می کند

روسیه رویکردش را به سمت همکاری جامع و دوجانبه با چین تغییر داده و دیگر در خصوص چین محتاط نیست. روسیه مبنای انتقال تجهیزات نظامی در برابر پرداخت نقدی در الگوی سابق خود از همکاری با چین را مورد تجدید نظر قرار داد و به برنامه های طولانی مدت همکاری نظر دارد که تولیدات نظامی در هر دو کشور را به هم متصل می کند و وابستگی نظامی متقابل را افزایش می دهد. خیلی سخت می توان قراردادهای بین چین و روسیه را برای طراحی مشترک سامانه های تسلیحات و تحقیق و توسعه نظامی ردیابی کرد. با این حال، معلوم است که سهم انتقال فناوری و سرمایه گذاری مشترک در تمامی تجهیزات نظامی روسیه به چین در حال افزایش است.

مشارکتهای فناوری مبتنی است بر قراردادهای فرعی که برای تولید قطعات اساسی یک طرح کلی کار می شود و شامل برنامه های مشترک برای نوآوری دفاعی است که ماهیت همکاری های چین و روسیه را در مبادلات نظامی و فنی معمولی تغییر می دهد.

چین در حال حاضر چیزهای زیادی برای ارائه دادن دارد به ویژه در زمینه قطعات الکترونیکی از جمله قطعاتی برای برنامه های فضایی، مواد کامپوزیتی، فناوری های پهادی و موتورهای کشتی های جنگی. فضای سایبری حوزه دیگری است که شاید چین دست برتری در آن داشته باشد. گروه فناوری هواوی چین از سال ۲۰۱۹ مرکز داده را در مسکو، سن پترزبورگ، کازان، نووسیبیرسک و نیژنی نوگورود افتتاح کرده تا ادغام سایبری بین چین و روسیه را تسهیل کرده باشد.

اگر چین بخواهد هرگونه کمک نظامی ارائه دهد، پهپادهای نظامی حوزه مورد علاقه روسیه خواهد بود. پهپادها با نگاه به جنگ اوکراین تاثیر زیادی داشته اند، اما ظرفیت روسیه برای تولید پهپادهای نظامی بسیار محدود است. چین در این زمینه به لحاظ کیفی و کمی جهش تکنولوژیکی قابل توجهی داشته است.

امکان همسویی نزدیک تر نظامی بین چین و روسیه و اینکه هر دو کشور در تقابل با غرب با یکدیگر همکاری نظامی داشته باشند، پیامدهای ژئوپولیتیک جدی برای جهان دارد.

<https://cutt.ly/HHcgmiH>



أخبار الخارج



The
Guardian



RASANAHA
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية
International Institute for Iranian Studies



FP

CNN

l'express

الجزيرة

IISS



The
Frontier Post

A
The Atlantic

BBC